

هفته

خبرنامه هفتگی ایرانیان مونترال

سال اول - شماره ۱۲ - شنبه ۲۶ مرداد ۱۳۸۷ - ۱۶ آگوست ۲۰۰۸



**Montreal World
Film Festival
2008**

جشنواره جهانی فیلم مونترال آغاز می شود

مجید مجیدی با "آواز گنجشکها" و

رسول صدرعاملی با "هر شب تنهایی" به مونترال می آیند

جدول آثار ایرانی و نقش ایرانی ها در فستیوال

CFMB 128D AM
www.chocavac.com
Tel:(514) 787-8848

رادیوی مونترال و دیدگاه های ایرانیان

هر یکشنبه از ساعت ۹ تا ۱۰ شب





سی دی های رادیو چکاوک
را از محل های زیر تهیه کنید:

تپش دیجیتال
خیابان شربورک غربی، جنب اخوان

رستوران کباب سرا
Atwater

فروشگاه مواد غذایی سن لوران
Sherbrooke West / Melrose

رستوران نیلوفر
سن کاترین، تقاطع سن مارک

رادیو چکاوک
صدای ایرانیان مونترال

هر یکشنبه شب از ساعت ۹ تا ۱۰

بر روی موج AM ردیف ۱۲۸۰

CFMB Radio Montreal / 1280 AM / www.cfmb.ca

چکاوک هفته را مشترک شوید!

۸۸۴۸-۷۸۷-۷۱۴ (۵۱۴)

صورت آواز مرغ است آن کلام غافل است از حال مرغان مرد خام

هفته از همه علاقه مندان دعوت به
همکاری می کند.
برداشت مطالب با ذکر ماخذ آزاد است.
هفته در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده
آزاد است.
نوشته های فرستاده شده پس فرستاده نمی
شود.

استفاده از طرح ها و آگهی های هفته
نیاز به کسب اجازه دارد.
درباره مضمون آگهی های منتشر شده هیچگونه
مسئولیتی متوجه هفته نیست.

6960 Sherbrooke W suite 15
Montreal QC H4B 1R2
(514)787_8848
info@chacavac.com
www.chacavac.com

ناشر: هفته
ویراستاران: لیلی خاقانی و یوسف امیری
صفحه آرایی: شقایق تقی لوها
سر دبیر: خسرو شمیرانی
طراحی آگهی ها: بهروز زمانی
www.behgraphics.com
طرح روی جلد: کیوان مهجور
عکس هفته: فرخ وهاب زاده
با سپاس ویژه از همکاران این شماره: میترا
روشن، حمیده غیاثوند، سحر همایی، زکریا
اعتضادی، محمد جباری حق، پاشا جوادی،
امید صارمی، ژان میشل لووا و رضا متبسم

جشنواره ای از گونه گونی فرهنگی، برای صلح و تفاهم

قرار شد این هفته به جشنواره جهانی فیلم مونترال بپردازیم و در حد توان اطلاعات مربوط به آثار ایرانی و یا فارسی زبان حاضر در فستیوال را در اختیار خوانندگان خوب چکاوک هفته بگذاریم. بر این اساس، تلاش زیادی شد تا یکی از همشهریان مان که در عرصه فیلم و سینما متخصص هستند و می توانند نگاهی هنرمندانه به این فستیوال بیاندازند، نوشتن «سخن هفته» را بپذیرند اما اقبال یار نشد. از آن دسته دوستانی که می شناختیم، تقاضا کردیم اما از بد روزگار همه به شدت مشغول بودند.

به هر حال نوشتن کلام آغازین این شماره نیز بر دوش نگارنده افتاد. متأسفانه گستره توانایی این قلم در عرصه فیلم و سینما از اندازه سطح ارزن فراتر نمی رود. اما این فستیوال مثل هر پدیده هنری دیگر، زاویه ای دارد که تخصصی نیست و آن جنبه اجتماعی آن است.

جشنواره فیلم مونترال هر سال صد ها فیلم با تصاویری از هزاران انسان از تبارهای گوناگون را به نمایش می گذارد. دغدغه ها، علائق، دشواریها، شادی ها و غم های آنها (ما) را به روی پرده می برد. فیلمساز هندی در کنار همکار پاکستانی خود، کارگردان آمریکایی و اسرائیلی در کنار هنرمندان ایرانی، روس ها در کنار لهستانی ها

و ... تصاویری از سرزمین و مردم خود را نمایش می دهند بی آنکه هنرشان با هم به ستیز برخیزند. فقط اگر یک گام عقب تر برویم و از فاصله مناسبی به ماجرا نگاه کنیم می بینیم که تا چه حد ما انسانها شبیه هم هستیم و تا چه حد دغدغه های ما، خوشی ها و دردها مان مشترک هستند و در نتیجه، اختلافات و جنگ های موجود تا چه حد بی معنا هستند. مستقل از اینکه سازنده فیلم و محل ساختن آن کدام است، آنچه در بسیاری از این فیلم ها به نمایش در می آید، مسائلی را در بر می گیرد که بین تمام انسان ها مشترک هستند. می بینیم که همه ما از کمک به دیگران، از ایثار نسبت به دیگران و از دیدن شادی دیگران شاد می شویم، همه ما هنگام شادی می خندیم و همه ما از دوستی ها لذت می بریم. سایت رسمی فستیوال، این مفهوم را به این صورت در معرفی اهداف خود گنجانده است: «فستیوال می خواهد گوناگونی فرهنگی را تشویق کند و تفاهم میان ملت ها را دامن بزند.»

پس از سوی چکاوک هفته به تمام هنر دوستان، هنرمندان و سینماگرانی که در تحقق این جشنواره نقش آفریده اند درود می فرستیم. در تلاش هنرمندانه و صلح آفرین تان پیروز باشید!

سردبیر

صفحه ۳ سخن هفته «فستیوال فیلم مونترال»
- سردبیر

صفحه ۴ اخبار کبک و کانادا

صفحه ۷ اخبار مونترال ایرانی

صفحه ۹ حقوق و وظائف مالک و مستاجر، Ia
Régie de logement - حمیده غیاثوند

صفحه ۱۰ شیرین خوانی - صفحه ادبی - محمد
جباری حق

صفحه ۱۱ فیلم های ایرانی و ۴۰۰ فیلم دیگر در
مونترال - فستیوال بین المللی فیلم
مونترال

صفحه ۱۳ ساز سوده، پیانیست ایرانی: همنازی
یعنی همدل شدن - گزارش هفته

صفحه ۱۴ موانع رشد نهادهای دموکراسی شهری در
ایران - گزارش سخنرانی - میترا روشن

صفحه ۱۶ سفر به اعماق زمان: آنسوی افق کیهانی
- امید صارمی

صفحه ۱۷ از خوانندگان: لطیفه به خوانندش می آرد
- زکریا اعتضادی

صفحه ۱۸ بزرگداشت شاملو توسط کافه لیت و میسا
- پاشا جوادی

صفحه ۱۸ یک شعر برای شاملو - رضا متبسم

صفحه ۱۹ عکس هفته: تعادل ناپایدار - فرخ
وهاب زاده

صفحه ۲۰ اخبار جهان

صفحه ۲۱ اخبار ایران

صفحه ۲۲ نیازمندی ها



تیراندازی پلیس مونترال به مرگ یک نوجوان و شورش در شمال مونترال انجامید



به گزارش «خبرگزاری کانادا»، طی تیراندازی پلیس که ساعت ۷ شب شنبه ۹ اگوست ۲۰۰۸ در پارک «هانری بوراسا» رخ داد، یک جوان ۱۸ ساله کشته و دو جوان دیگر زخمی شدند. پلیس مونترال می‌گوید این در حالی اتفاق افتاد که ماموران پلیس برای دستگیری فرد خاصی در پارک هانری بوراسا جستجو می‌کردند. بر اساس ادعاهای پلیس، عده‌ای جوان ماموران را دوره می‌کنند. تعدادی از این جوانان از جمع جدا شده و به پلیس حمله می‌کنند که در این هنگام یکی از افسران به روی آنها آتش می‌کند. لازم به توضیح است که هیچ یک از ماموران پلیس زخمی نشده‌اند.

بر اساس گزارش خبرگزاری کانادا، خواهر قربانی این درگیری نام وی را «فردی آلبرتو» و سن وی را ۱۸ ساله عنوان کرد. فردی آلبرتو در بیمارستان در گذشت و دو جوان دیگر که یکی ۱۸ ساله و دیگری ۲۰ ساله است در بیمارستان بستری هستند. وضعیت جسمی آنها خطرناک نیست.

بنا به گزارش مذکور، آقای گریگوری گومز دل پدرو (Gregory Gomez del Prado)، سخنگوی پلیس استان کبک، گفت که پلیس در حال رسیدگی به این پرونده و بازجویی از شاهدان است. او می‌گوید که در ساعت ۷ بعدازظهر افراد زیادی در پارک شاهد این اتفاق بوده‌اند. او ادامه می‌دهد که مسئله‌ی مرگ انسانی در میان است و هنوز برای قضاوت زود است و در حال حاضر پلیس نمی‌تواند توضیحی بدهد.

گزارش سی.بی.سی در این رابطه حاکی از آن است که در ادامه‌ی این حادثه و پس از پخش شدن خبر کشته شدن یک جوان در این درگیری، مردم ناحیه‌ی شمال مونترال در اعتراضی محلی به این عمل پلیس

تظاهرات کردند. درگیری‌ها از هنگامی آغاز شد که معترضان چندین اتومبیل پارک شده در کنار ایستگاه آتش‌نشانی محل را به آتش کشیدند و هنگامی که آتش‌نشانان برای خاموش کردن آتش اقدام کردند گلوله‌های آتش را به سمت آنها پرتاب کردند. با جمع شدن نزدیک ۱۰۰ نفر در محوطه‌ی یک مرکز خرید، شورش‌گران پنجره‌های چندین مغازه از جمله یک فروشگاه لوازم صوتی و یک قصابی را شکسته و زنان و مردان با سن‌های مختلف هر چه توانستند از مغازه‌ها به غارت بردند.

در گزارش سی.بی.سی همچنین آمده است که آقای پاتریک پارت، از ساکنان این محل، درگیری یک‌شنبه شب را وحشتناک توصیف می‌کند. او می‌گوید ناگهان متوجه شدم فردی که در کنارم بود اسلحه به دست دارد و در حال تیراندازی است. در نتیجه، من نیز وحشت کرده و از محل فرار کردم. او گفت همیشه گمان می‌کردم که این صحنه‌ها را فقط در فیلم‌ها می‌توان دید!

در ادامه‌ی گزارش سی.بی.سی آمده است که در بامداد روز دوشنبه ۱۲ اگوست هنوز صدها پلیس ضد شورش که از شب قبل برای آرام کردن ناحیه آمده بودند در محل حضور داشتند. دو پلیس در این درگیری‌ها زخمی شدند که یکی از آنان به دلیل اصابت گلوله به زانوهایش در وضع بدتری قرار دارد. همین طور یک تکنیسین آمبولانس از برخورد کوکتل مولوتوف با سرش جراحت برداشته است. پلیس چند نفر را در این رابطه بازداشت کرده اما جزئیات آن را بعدا اعلام خواهد کرد.

بر اساس گزارش سی.بی.سی، آقای ترامبلی، شهردار مونترال، گفته است که تنها راه بازگرداندن آرامش به منطقه‌ی شمال مونترال، شفاف کردن ماجرا است. باید علت واکنش تند پلیس و شلیک کردن به سمت جوانان - که منجر به مرگ یکی و زخمی شدن دو تای دیگر شد - روشن شود. او به خبرنگاران گفت که پلیس باید رابطه‌ی دوستانه‌ی خود را با مردم گسترش دهد.

یکی از افراد بانفوذ محلی می‌گوید که جوانان این ناحیه از برخورد پلیس و خشونت آن بسیار خشمگین هستند. به نظر یک کارشناس، روی دادن چنین اتفاقی در محله‌های فقیرنشین اتفاق عجیبی نیست، و تا زمانی که به ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی این امر توجه نشود، متأسفانه باید انتظار تکرار چنین اتفاقاتی را داشت.

می‌خواهید خانه‌ای هدیه بگیرید؟ به خانم مالرونی مراجعه کنید!



به گزارش سی.بی.سی، خانم اشلی مالرونی (Ashley Mulrony) خانه‌ی خود در اتاوا را به طور رایگان می‌بخشد! او برای بازبافت و استفاده‌ی بهینه از این خانه، آن را در فهرست تارنمای Fullcircles قرار داده است. تارنمای مذکور، تارنمایی برای بازبافت است که مردم وسیله‌های خود را به طور رایگان در آن قرار می‌دهند تا دیگران از آن استفاده کنند.

این خانه دوطبقه و سه‌خوابه است و در کل ۱۲۰۰ فوت مربع مساحت دارد. دیوارهای بنا سفید و شیروانی آن ارغوانی است. کف آن چوبی بوده و پنجره‌های بزرگی دارد که به سمت جنگلی از درختان انبوه باز می‌شود. خانم مالرونی به شوخی می‌گوید که البته منتظر دریافت چشم‌انداز نباشید، چشم‌انداز سر خانه نیست!

او پس از آگاهی از این موضوع که هزینه‌ی تعمیر و نوسازی این خانه چنان زیاد است که با ساختن خانه‌ی نو تفاوت زیادی ندارد، تصمیم گرفت آن را هدیه کند. او خانه را به اولین فردی که زمین مناسبی هم برای قرار دادن این خانه در آن داشته باشد می‌بخشد.

سه کانادایی دیگر در افغانستان قربانی شدند

به گزارش سی.بی.سی از ادمونتون که روز دوشنبه ۱۱ اگوست ۲۰۰۸ مخابره شد، ارین دوایل (Erin Doyle) نودمین سرباز کانادایی است که از آغاز جنگ تاکنون در افغانستان کشته شده است. او که اهل ادمونتون کانادا بود صبح روز دوشنبه ۱۱ اگوست پس از حمله‌ی شورشیان به پایگاه او در جنوب افغانستان کشته شد. او دومین سرباز کانادایی است که در درگیری‌های سه روز اخیر کشته می‌شود.

سازمان های فرهنگی و اجتماعی در مونترال

انجمن دوستداران زرتشت

با هدف بازشناساندن جشن های باستانی
Tel: (514) 731-1443

انجمن زنان ایرانی مونترال

نشست ثابت اولین یکشنبه هرماه، ۱۰/۳۰ صبح
St. Hubert 8043

انجمن فرهنگی ایرانیان وست آیلند

مدرسه فارسی - هر شنبه از ساعت ۱۲/۳۰
2900 lake
Tel: (514) 626 5520

انجمن ادبی - محمد فاضل

سخنرانی های ادبی، اجتماعی و تاریخی
Tel: (514) 651-7955

بنیاد سخن آزاد

کنسرت های موسیقی اصیل و سخنرانی
Tel: (514) 944-8111

خانه ایران

تلفن: ۹۵۱۴۷۲۱ - ۵۱۴

خانه کتاب ایران - میک

گالری - کتاب فروشی - کتابخانه
4438 De la Roche
Tel: (514) 373-5777

خدمات خانوادگی - Sheild of Athena

آگاهی درباره مسائل خانوادگی و قوانین کانادا
3565 Jarry
(514) 274 8117

کتاب خانه نیما

5206 Decarie
Tel: (514) 485-3652

کافه لیت

هر پنجشنبه یک بحث ادبی، تاریخی و علمی
www.montrealcafelit.blogspot.com
MontrealCafeLit@gmail.com

کانون فرهنگی چکاوک

رادیو هفته نامه
6960 Sherbrooke W
Tel: (514) 787-8848

مدرسه ایرانی دهخدا:

مدرسه فارسی - هر شنبه از ساعت ۱۲
4976 Notre Dame W
Tel: (514) 886-4768

انفجار در تورنتو به آتش سوزی گسترده و تخلیه بخشی از شهر انجامید

روز دوشنبه ۱۱ اگوست، پلیس تورنتو اعلام کرد که در اثر وقوع انفجاری در کارخانه‌ی گاز پروپان، به نام Sunrise در شمال غربی شهر تورنتو، هزاران نفر مجبور به ترک محل شدند. عملاً تمام ساکنان در شعاع سه کیلومتری از محل وقوع حادثه، محل خود را ترک کردند. این منطقه دوازده هزار سکنه دارد که خانه‌ی ۵۰ نفر از آنان به شدت آسیب دیده است. مسئولان در حال بررسی این موضوع هستند که آیا این خانه‌ها هنوز قابل سکونت هستند یا خیر.

این انفجار در ساعت ۴ بامداد روز یکشنبه ۱۰ اگوست اتفاق افتاد. در پی انفجار، شعله‌ی نارنجی رنگ روشنی در آسمان پدیدار شد. ساکنان این ناحیه می‌گویند که با صدای انفجار مهیبی خانه‌های آنان به لرزه افتاد. در برخی قسمت‌ها شیشه‌ی خانه‌ها شکسته است. پلیس می‌گوید که در این حادثه کسی به طور جدی آسیب ندیده است. خیلی از این خانواده‌ها توانستند تا بعد از ظهر روز یکشنبه به خانه‌های خود بازگردند اما به دلیل کشف وجود گاز سمی در ناحیه از بازگشت بسیاری دیگر از ساکنان به خانه‌هایشان جلوگیری شده است. یک مقام آتش نشانی تورنتو گفته است که دست کم پنج خانه بر اثر این انفجارها آسیب شدیدی دیده‌اند. جسد بی‌جان یک آتش‌نشان در منطقه کشف شده و همچنین یکی از کارمندان شرکت پروپان ناپدید شده است.

آسیب‌دیدگان شکایت رسمی خود را از شرکت گاز Sunrise، شرکت بازرسی ایمنی موسسه‌های صنعتی، شهرداری تورنتو، و دولت استانی اعلام کردند.

کودک خواننده‌ای که در گشایش المپیک درخشید، فقط لب می‌زد!

دختر بچه‌ای که در برنامه‌ی گشایش المپیک چین آواز خواند و در سرتاسر جهان به عنوان ستاره‌ای درخشید خواننده‌ی اصلی نبود! او فقط «لب می‌زد!» به گزارش «آژانس فرانس پرس» در روز ۱۲ اگوست ۲۰۰۸، مدیر هنری مراسم المپیک گفته است که «لین میاوک» در برنامه آواز نمی‌خواند و فقط به خاطر چهره‌ی دلنشین‌اش انتخاب شده بود.

بنا به این گزارش، خواننده‌ی اصلی «یانگ پایی»، کودک ۷ ساله‌ی چین دیگری، بود. مدیر هنری برنامه‌های گشایش گفته است: ما می‌خواستیم کاری کنیم که برای وجهه‌ی ملت‌مان بهتر باشد. کودکی که روی صحنه می‌آمد می‌بایست تصویری بی‌نقص داشته و احساس درونی خوبی را با بیانی مناسب همراه کند. «چن کی یانگ» خود هنرمند آهنگساز شناخته‌شده‌ای در سطح جهانی است که در عین حال تابعیت فرانسه را دارد. خبرگزاری فرانس پرس به نقل از آقای چن گفت که خواننده‌ی اصلی چهره‌ای تپل دارد و دندان‌هایش ردیف نیست.

سرهنگ دنیس تامپسن در این رابطه گفت: نزدیک ساعت ۶ بامداد به وقت محلی حدود ۱۰ شورش به پایگاه آنان حمله کردند و سربازان کانادایی این حمله را بی‌پاسخ گذاشتند و نیروهای هوایی را نیز برای کمک خیر کردند.

در این درگیری همچنین یکی از سربازان به شدت مجروح شده که برای درمان به بیمارستان چندملیتی قندهار منتقل شده است. این سومین بار بود که اربین دوپل برای جنگ به افغانستان رفته بود. او همچنین قبل از افغانستان به بوسنی رفته بود. اربین دوپل جوان‌ترین عضو خانواده‌ای هفت نفره و دارای همسری به نام نیکول و دختری به نام زارین بود.

علاوه بر این، به گزارش خبرگزاری کانادا، جاش رابرتس (Josh Robberts)، سربازی کانادایی که به زودی پدر می‌شد، در درگیری دیگری در افغانستان کشته شد. واحد تحقیقات ارتش در حال بررسی این موضوع است که آیا جاش رابرتس - که به عنوان سرجوخه‌ی جوخه‌ای نه‌نفره خدمت می‌کرد - بر اثر آتش دوستانه کشته شده است یا بر اثر حمله‌ی شبه‌نظامیان افغان.

همچنین آسوشیتد پرس این هفته گزارش کرد که سه زن که برای سازمان «کمیته‌ی بین‌المللی نجات» کار می‌کردند در افغانستان کشته شدند. این اتفاق در جنوب کابل رخ داد. عبدالله خان، نماینده‌ی این منطقه، می‌گوید که راننده‌ی افغان این زنان نیز کشته شده است. به گفته‌ی خان ملیسا وینکلر، سخنگوی کمیته‌ی بین‌المللی نجات، یکی از این زنان آمریکایی، دیگری کانادایی انگلیسی‌تبار و سومین آنها شهروند ترینیداد بوده است.

آیا دو جوان مونترالی در عربستان اعدام خواهند شد؟

محمد و سلطان کحیل دو شهروند مونترالی هستند که در ژانویه سال ۲۰۰۷ پس از جدالی که بین عده‌ای از جوانان درگرفته بود و منجر به کشته شدن جوانی سوری در جده شد در دادگاه‌های عربستان محاکمه و به اعدام محکوم شده‌اند.

به گزارش خبرگزاری کانادا، پرونده‌ی سلطان کحیل، ۱۸ ساله، که تا پیش از این در دادگاه نوجوانان پیگیری می‌شد و در طی آن وی به ۲۰۰ ضربه‌ی شلاق محکوم شده بود، در پی درخواستی به دادگاه بزرگسالان ارجاع داده شد. احتمال می‌رود که او نیز مانند برادر بزرگترش محمد کحیل، ۲۳ ساله، به اعدام به روش قطع سر محکوم شود! این دو جوان می‌گویند که بی‌گناه هستند و دادگاه عربستان بی‌طرفانه عمل نکرده است.

آقای دن مک‌تیگ (Dan McTeague)، عضو لیبرال مجلس، می‌گوید دولت کانادا باید هرچه سریعتر اقدام کرده و دوباره با مسئولان عربستان سعودی مذاکره کند و مطمئن شود که دادگاه نهایی بی‌طرفانه و عادلانه برگزار خواهد شود. به نظر وی در این صورت این دو جوان تبرئه خواهند شد.



دکتر شریف نائینی
جراح دندان پزشکی
 DDS دانشگاه تهران ۱۹۷۳
 DMD دانشگاه مونترال ۱۹۹۸
514-731-1443
 5450 Cote des neiges, Suite 308 Metro: CDN



رضا نژاد
مشاور املاک
تجاری و مسکونی
Cell: 514-865-7146
Office: 514-426-4545
Fax: 514-426-4546
 Sutton
 2869 Boul. St. Charles, Kirkland

رنگ کاری پیانو و مبلمان چوبی
 با رنگ کاری حرفه‌ای و درجه یک، به مبلمان چوبی و قدیمی خود زندگی دوباره بدهید.
514-909-6264
ماندانا روشن



رستوران کپلی
 همبرگرهای بزرگ و فوشمزه
 و غذاهای ایتالیایی
514-483-0000
 روبروی متروی Vandome
 • دلیوری غذا در: NDG و Westmount



ارسال ارز به ایران
و سایر نقاط جهان
514-485-6000
 با امکان صدور Money Order امریکایی و کانادایی
 6520 St. Jacques
 1405 de Maisonneuve O
 5774 Sherbrooke W
 € \$

رمز موفقیت در دنیای دوم
سلف هیپنوتیزم



- رسیدن به خودشناسی کامل
- فراگیری کامل تمرکز فکر
- کنترل بر تمام افکار پراکنده
- فراگیری کامل ریلکس کردن
- تسلط کامل بر تمام حالات منفی از قبیل هیجان، اضطراب، دلشوره و نگرانی و...
- به وجود آوردن یک اعتماد به نفس کامل
- قاطع بودن برای تصمیم گیری
- فراگیری بوجود آوردن آرامش در نهایت خشم
- یادگیری اینکه چطور شبها به راحتی بخواب برویم
- فراگیری اینکه زندگی آنطور که هست از آن لذت ببریم و به آرامشهای درونی و دسترسی پیدا کنیم

با گذراندن این پدیده نوین شما می توانید به کلیه آرمان های زندگی خود براحتی دسترسی یابید.

Ali Salimi Tel: 514-979-2120
Fax: 450-689-1051 Email: ga_salimi@hotmail.com



میدان در اختیار ایرانی ها قرار بگیرد.

7000 Boul. lasalle
Les Serres de Verdun
Metro de l' Église
Bus 58 West

ورنيساز آثار نقاشی نهال وحدت ديروز برگزار شد

پنجشنبه ۱۴ آگوست ۲۰۰۸ ، در «گالری وست» در Saint - Anne - de Bellevue - واقع در غرب وست آيلند، نمايشگاه آثار هنرمند جوان ایرانی نهال وحدت آغاز به کار کرد. نهال نوۀ کمدين معروف ايران نصرت الله وحدت است. مادر او نیز که اهل نقاشی است. نمايشگاه وی اخيرا در «گالری وست» پايان يافت.

این اولین نمايشگاه نهال وحدت است که تا ۲۱ آگوست ۲۰۰۸ بر پا خواهد بود. از روز ۲۲ تا ۲۴ آگوست نمايشگاه مشترک مادر و دختر هنرمند برپا خواهد بود.

37 rue St-Thomas
Saint-Anne-de-Bellevue
QC H9X 1K5
Tel: (514)695-8249

مدرسه دهخدا پیک نیک بازگشت به مدرسه را برگزار می کند!

دومین پیک نیک مدرسه دهخدا روز ۲۴ آگوست در پارک انگريسيون برگزار می شود. پوستر منتشر شده در این رابطه از کلیه هموطنان مونتريالی دعوت کرده است تا در این جشن شرکت کنند.

طبق معمول در این جشن با موسیقی و غذاهای ایرانی کباب کوبیده، جوجه کباب، گوجه و سالاد از میهمانان پذیرایی می شود. ورودی این برنامه ولدت بردن از موسیقی رایگان است و بهای غذا فقط ۸ دلار است.

برای اطلاعات بیشتر می توانید با شماره های زیر تماس بگیرید
۹۵۲۲۱۶۵

۲۵۸۸۱۸۶

یکشنبه ۲۴ آگوست ۲۰۰۸ از ۱۰ صبح تا ۷ شب در پارک انگريسيون

امروز آخرین برنامه رقص ایرانی در کنار سن لوران برپا می شود

گرچه برنامه رقص های کنار سن لوران در وردان هفته آینده به پایان می رسد اما بخش ایرانی این برنامه همین امروز ۱۶ آگوست آخرین روز خود را پشت سر خواهد گذاشت. تلاش خواهد شد تا از سال آینده ساعات مناسب تر و بیشتری از این



سحر عزیز و آیدین گرامی

فرخنده پیوندتان را به شما دو جوان دوست داشتنی و خانواده های گرامی امیری نیا، متبسم و زرکاری تبریک می گوئیم و سال های خوشبختی را برای شما آرزومندیم

دوستان شما در رادیو چکاوک و چکاوک
هفته

پایان تعطیلات تابستانی میکیک و گشایش نمایشگاه «از ورای جان های خاموش»

فردا پنجشنبه آخرین روز تعطیلات تابستانی میکیک است و این هفته میکیک کار خود را از سر می گیرد. در اولین هفته پس از تعطیلات، میکیک آثار علی اهتیار Ali Ihtiyar عکاس ترکیه ای را به نمایش خواهد گذاشت. افتتاحیه: جمعه ۲۲ اوت از ساعت ۶ تا ۹ نمایشگاه از ۲۳ اوت تا ۱۴ سپتامبر

نمایش فیلم در میکیک

جمعه ۲۹ آگوست ۲۰۰۸ فیلم «فرزندان ما تحت تاثیر مد» در خانه کتاب ایران به نمایش در می آید. در اطلاعیه برگزار کننده آمده است: «این فیلم تاملی است بر نگاهی جنسیتی در جامعه و اثرات مسموم آن بر جوانان. این فیلم برانگیزاننده، راههایی را برای مبارزه با این پدیده نگران کننده پیشنهاد می کند. دریایان اطلاعیه از پدران و مادران درخواست شده است تا فرزندان خود را به دیدن این فیلم تشویق کنند.

Maison d'Édition Ketabe Iran Canada Inc. : MEKIC
4438, rue de la Roche
Montreal (Quebec) H2J 3J1
Tel: (514) 373-5777
E-Mail: info@mekic.ca

از کافه لیت چه خبر؟

هفته آینده ۲۱ آگوست ۲۰۰۸ فرخ وهاب زاده بخش دوم گفتار خود در باره موسیقی کلاسیک را از سر می گیرد. برای آگاهی از زمان و مکان برنامه به وبلاگ کافه لیت مراجعه کنید. پنجشنبه گذشته، ۱۴ آگوست کافه لیت، میزبان سیامک دلزنده بود. آقای دلزنده در این جلسه به بحث تحت عنوان «نظریه پردازان هنر در ایران» پرداخت. چکاوک هفته در شماره آینده گزارش این جلسه را منتشر خواهد کرد.
<http://www.montrealcafelit.blogspot.com/>
montrealcafelit@gmail.com

محسن تقوی، نویسنده مونترالی و یکی از اهالی زحمت کش فرهنگ ایران درگذشت

دوشنبه ۴ آگوست ۲۰۰۸ سید محسن تقوی، نویسنده ایرانی ساکن مونترال، پس از یک دوره بیماری درگذشت. زنده یاد تقوی در سال ۱۹۲۷ در قزوین به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات مقدماتی در قزوین در رشته زمین شناسی لیسانس گرفت و در بیولوژی به دریافت فوق لیسانس نائل شد. بعد در رشت تدریس در دبیرستان را آغاز کرد. او دیرتر در دانشسرای رشت به آموزش پرداخت. سه کتاب در زمینه زیست شناسی و سه کتاب در زمینه ژنتیک از ایشان به جای مانده است. این کتابها در دانشسرای رشت تدریس می شد. او یکی از معلمین سرشناس و محبوب شهر رشت بود. در اواسط دهه ۱۹۹۰ به مونترال آمد و به خانواده پیوست. چکاوک هفته درگذشت این همشهری اهل فرهنگ را به خانواده های تقوی، حیدری و غیور تسلیت می گوید.

تسلیت به خانواده های تقوی، حیدری و غیور

بار دیگر انسانی خوب، یاری از دیار دوستی و فرهیخته انسانی از اهل فرهنگ درگذشت و خانواده و دوستان خود و همچنین دوستداران فرهنگ را در غم هجران خود نشانند. درگذشت مرحوم سید محسن تقوی را به شما دوستان عزیز خود تسلیت می گوئیم و در این لحظات سخت خود را بویژه در کنار شما می بینیم.

حسین پورشفیعی و خانواده

سپاسگزاری و دعوت به شرکت در مراسم یاد بود

از دوستان، آشنایان و همشهریان گرامی که در مراسم خاک سپاری مرحوم سید محسن تقوی پدر گرامی خانواده تقوی، که برای خانواده های حیدری و غیور نیز همچون پدر بود، شرکت کردند، تشکر و قدر دانی می کنیم. مراسم یاد بود زنده یاد سید محسن تقوی روز شنبه ۱۶ آگوست برگزار می شود.

خانواده های تقوی، حیدری و غیور

یاد آن مرحوم گرامی باد

Rideau Memorial Garden
4239, boul. des Sources
Dollard-des-Ormeaux,
16 August 2008 – 6–8 PM



با «اداره‌ی مسکن» آشنا شویم این هفته: حقوق شما در هنگام بازدید مستاجر یا خریدار از خانه و همسایه‌ای پرسرو صدا

• حمیده غیاثوند / مونترال

باید با ظرافت و نرمی از آنها بخواهید که صدای موسیقی را به خصوص هنگام شب کم کنند و از همکاری‌شان تشکر کنید. به خانه برگردید و منتظر نتیجه بمانید، ولی در عین حال شروع به پرس و جو از همسایه‌ها کنید و متوجه شوید که آنها هم از سروصدا ناراحت هستند. سروصدا چند روزی کمتر می‌شود، اما کم کم به حالت اول برمی‌گردد. شما به ناچار به صاحبخانه شکایت می‌کنید و به وی یادآور شوید که وی طبق قانون موظف است در ساختمان آرامش برقرار کند. به وی هشت روز مهلت دهید و همزمان شروع به ثبت ساعت به ساعت صداها کنید.

در جایگاه مالک

شما مالک هستید. اگر واقعا در فکر راحتی و آرامش مستاجران خود هستید، باید دست به کار شوید. اگر مستاجران پرسروصدا هیچ توجهی به تذکرات شما نکردند، می‌توانید از «اداره‌ی مسکن» درخواست فسخ قرارداد آنها را بکنید. اداره‌ی مسکن یا فوری موافقت می‌کند، یا به مستاجر مهلت می‌دهد تا به سروصدا خاتمه دهد. اگر صداها کاهش پیدا نکرد، پس از پایان مهلت، اداره‌ی مسکن قرارداد مستاجر را مطابق درخواست شما فسخ می‌کند.

در جایگاه مستاجر

فرض کنیم که مالک در پایان مهلتی که شما مقرر کرده بودید اوضاع را بهبود نبخشد. سروصدا برجاست. نامه‌ای خطاب به وی ارسال کنید که در آن مهلت مشخصی، برای مثال ۱۰ روز، تعیین کنید و در نامه اشاره کنید که در صورت رسیدگی نکردن به مشکل، به اداره‌ی مسکن شکایت خواهید کرد. یک نسخه از نامه تهیه و اصل نامه را به صورت سفارشی ارسال کنید و رسید آن را نیز نگه دارید.

در دادگاه

به دنبال درخواست شما از اداره‌ی مسکن برای مداخله در این امر، شما و طرف مقابل به دادگاه دعوت می‌شوید که در آن باید حرف خود را به اثبات برسانید. چند شاهد به همراه خود ببرید، مانند اعضای خانواده، دوستان، همسایه‌هایی که از سروصدا در عذاب بودند، میهمانانی که به صورت تصادفی صداها را شنیده‌اند، و نیز نسخه‌ای از نامه‌ای که برای مالک فرستاده بودید و حتا برگه‌ای را نیز که روی آن تمام ساعت‌های اوج سروصدا را ثبت کرده‌اید ببرید.

تارنمای اداره‌ی مسکن: www.rdl.gouv.qc.ca

تلفن: ۵۱۴-۸۷۳-۲۲۴۵

ساعت کار: از ۸:۳۰ صبح تا ۴:۳۰ عصر

در دو شماره پیش، یکی از وظیفه‌های اداره‌ی مسکن، اطلاع‌رسانی درباره‌ی حق عقد قرارداد اجاره‌ی مسکن و یا محل کسب نام برده شده بود که اصلاح می‌شود: این اداره فقط به امور مربوط به محل‌های مسکونی می‌پردازد.

در بحث این هفته می‌خواهیم به تشریح بیشتر عملکرد «اداره‌ی مسکن» (Régie de logement) بپردازیم. مالک و مستاجر هر یک دارای حقوقی هستند و وظیفه‌ی این اداره نظارت بر رعایت این حقوق از سوی هر دو طرف است. این هفته به دو موضوع می‌پردازیم:

۱) اگر آپارتمانی برای اجاره یا فروش آگهی می‌شود، مستاجر و مالک برای بازدید محل هر دو باید پیرو قانون باشند.

برای اجاره

شما مالک هستید و مستاجران به صورت کتبی اعلام کرده که قصد دارد به قرارداد اجاره خاتمه دهد. به محض این که شما این نامه را دریافت کردید می‌توانید برای اجاره‌ی آپارتمان آگهی و از آپارتمان بازدید کنید. فراموش نکنید که پیش از آن از مستاجر کسب اجازه نمائید؛ درخواست شفاهی، ۲۴ ساعت قبل از بازدید کفایت می‌کند. بازدیدها باید بین ساعت ۹ صبح تا ۹ شب باشد. مستاجر می‌تواند درخواست کند که شما یا نماینده‌تان حتما در زمان بازدیدها حضور داشته باشید وگرنه مانع بازدید می‌شود. تعویض قفل‌ها باعث امنیت مستاجر و آرامش خاطر دو طرف است و هیچ یک بدون توافق طرف مقابل حق تعویض قفل‌ها را ندارد.

برای فروش

وقتی خانه‌ی خود را برای فروش می‌گذارید، شرایط همانند اجاره دادن است. با این حال، تاکید می‌شود که هر بار می‌خواهید برای بازدید بروید باید ۲۴ ساعت قبل (به صورت کتبی یا شفاهی) به مستاجر اعلام کنید.

درست است که مالک قصد دارد هرچه سریع‌تر خانه‌ی خود را اجاره دهد یا بفروشد ولی مستاجر هم حق حفظ حریم خصوصی خود را دارد. پس بهتر آن است که هر دو به حریم یکدیگر احترام بگذارند.

در صورت بروز مرافعه، اداره‌ی مسکن می‌تواند دخالت کند و اجازتی ورود دهد یا شرایط تعیین کند.

۲) در صورتی که افراد پرسروصدایی همسایه یا مستاجر ما شدند چه برخوردی کنیم؟

شما به تازگی به آپارتمانی تازه نقل مکان کرده‌اید. در زمانی که از آن بازدید کرده بودید، ساختمان آرام به نظر می‌رسید. قرارداد را امضاء می‌کنید اما خانواده‌ی ساکن در طبقه‌ی بالا پرسروصدا هستند. تلویزیون یکسره با صدای بلند کار می‌کند و بعد نوبت به ضبط صوت می‌رسد و تا نیمه‌ی شب ادامه دارد. جوان‌ترها راهروها را با میدان دو اشتباه گرفته‌اند، روی کف اتاق - که همان سقف شما باشد - می‌کوبند. والدین از بچه‌ها بدتر، شب که به خانه برمی‌گردند، صدای پاشنه‌ی کفش‌شان را در تمام خانه می‌شنوید، انگار که با چکش بر سر شما می‌کوبند. ابتدا سعی می‌کنید خونسردی خود را حفظ کنید و خود را به صورت منطقی توجیه کنید که یک زن و شوهر و دو بچه همین قدر سروصدا دارند. اما در نهایت صبرتان تمام می‌شود و به نظراتان می‌رسد که آنها از حد گذرانده‌اند.

صفحات

شیرین خوانی

• محمد جباری حق

آدم؟ پس در این بیابان مونترال چه باید کرد؟ نگارنده میل دارد توجه خواننده‌ی محترم را به این نکته جلب کند که مونترال آن قدرها هم که خودش گفت بیابان نیست. مثلاً همین میکیک (MEKIC، خانه‌ی انتشارات کتاب ایران) را در نظر بگیرید که نشانی‌اش گوشه‌ای از همین مجله باید باشد. گذشته از آرامشی که در محیط ساده‌ی میکیک رخنه کرده، آن ته کتاب‌فروشی، دست‌چپ، قفسه‌های کتاب منتظران هستند. می‌شود سری «داستان کوتاه» را - که به همت جواد فعال رضوی گردآوری شده‌اند - آن‌جا پیدا کرد یا «از دل گریخته‌ها» ی مسعود بهنود را یا ده‌ها کتاب خواندنی دیگر را. حتا قسمت کتاب‌های دست‌دومی هم دارند که باورتان بشود یا نه، بین‌شان چاپ قدیمی «خوشه‌های خشم» جان اشتاین‌بک هم بود به قیمت پنج دلار؛ البته همه‌شان به این دندان‌گیری نیستند. روشی برای کتاب‌جویی از کتاب‌خانه‌ی دوستان و آشنایان محترم می‌گذرد. نگارنده با مثل معروف «آن کس که کتاب امانت بدهد دیوانه است و آن کس که کتاب امانتی را پس بیاورد دیوانه‌تر است» آشنا است ولی دیگر این سر دنیا و غربت که دیوانه و عاقل سرش نمی‌شود.

یک راه دیگر هم داریم. ایندیگو و امثالهم هست که هر روز از مقابل‌شان رد می‌شوید، این بار رد نشوید، وارد شوید. نه آن‌قدر جای ترسناکی است، نه کسی را آن‌جا سر می‌برند. حتا برای شروع بروید چند کتابی که قبلاً به فارسی خوانده‌اید بردارید و ورق بزنید. اگر شک و دودلی‌تان برطرف نشد بیا بیا بقیه‌ی نگارنده را بگیرید که البته باز همین حرف‌ها را برایتان ردیف می‌کند. متن‌ها را به انگلیسی خواندن زحمت بیشتری می‌برد و شاید وقفه‌های نگاه به فرهنگ‌نامه چندان لذت‌بخش نباشند ولی در عوض امتیاز مهمی دارد و آن درک بی‌واسطه‌ی متن است. متن از صافی مترجم و سانسورچی قیچی به دست نگذشته است که هر کدام اعوجاجی به این مظلوم بدهند و شما بمانید و یک سری جملات نامفهوم. متن اصلی هزار بار صیقل خورده‌تر از متن ترجمه شده است و اگر به دردسر خواندنش عادت کنید آرام آرام از سادگی درک متن لذت خواهید برد. می‌ماند یک مشکل آخر که همان وقت باشد. نگارنده هیچ نگران این مورد نیست چون اگر لازم شد، خواندن وقتش را خودش می‌تراشد. لازم نیست شما کاری بکنید.

این صفحه‌ی نوپای مجله قرار است درباره‌ی ادب و ادبیات باشد. نوشته‌های ادبی منتشر کند و یا از ادبیات بنویسد. نگارنده هنوز دقیق خبر ندارد قرار است چه شود، ولی یقین دارد قرار است خبرهایی بشود.

وقتی حکم شده است گوشه‌ای شروع کنی به نوشتن از ادبیات، نمی‌دانی از کجایش شروع کنی. اصلاً مگر این سر و ته دارد یا در و دروازه‌ای که بالایش به خط نستعلیق نوشته باشند: «نگارنده‌ی محترم از این طرف لطفاً». حتا اگر دروازه باشد، مگر جواز عبور برایت صادر کرده‌اند که سرت را بیاندازی رد شوی. نتیجه آن که جواز عبوری جعل می‌کنی و کمی مجاله‌اش می‌کنی و قیافه‌ی معصومانه می‌گیری بلکه به شهر راحت دهند.

از آمار خواندن و شمارگان کتاب در ایران نوشتن، تکراری است و همه خبر دارند که چه قله‌های ادبیات را یکی یکی فتح می‌کنیم. حالا درد این است که این طرف اطلس، اگر همت خواندن باشد چیزی برای خواندن نیست که تو بخواهی از خواندن بنویسی. تازه مگر ملت بی‌کارند؟ این‌جا که شوخی شوخی نه به کسی نان می‌دهند نه پایان‌نامه. بنابراین ملتفت هستید خواندن نوشتن دست کمی از خوان پنجم یا ششم رستم ندارد.

تبلیغ ادبیات هزار راه دارد. یک راهش راه «عصاقورت‌داده‌ی آکادمیک» است که حضار را از «کلیله و دمنه» و «قابوس‌نامه» و امثالهم لبریز کنید و جماعت را جملگی فیضی دهید. یک روشش هم کمی مدرن‌تر است که مثلاً کتاب «چرا ادبیات» یوسا و حتی «لذت متن» رولان بارت را تجویز کنید و همراه با قهوه اسپرسو و کمی اخم و تمرکز، سخنرانی بسیار غرابی در مدح ادبیات ایراد کنید. نهصد و نود و هشت راه دیگر هم هست و صد البته نگارنده با تمام این روش‌ها موافق است و پایش بیافتد سری هم به نشانه‌ی تأیید تکان می‌دهد، ولی گذشته از این‌که این کارها بضاعت و سواد آن‌چنانی لازم دارد که نگارنده ندارد، چه ایراد دارد به جای خشک و رسمی بودن، کمی در مورد خواندن گپ زد؟ حداقل امتحانش که می‌شود کرد؟ این صفحه - اگر پابرجا بماند و به خشم آسمانی گرفتار نیاید - قرار است چنین نقشی بازی کند. هر از گاهی کتابی، نویسنده‌ای انتخاب کند و حرف‌هایی نه چندان شوخی، نه چندان جدی در موردش بگوید و بگویم و ببینیم کار به کجا می‌رسد. قرار نیست کسی یا جایی را نجات بدهیم. اگر شد می‌خواهیم روشن شویم چه طور می‌شود از ادبیات لذت برد.

البته هنوز مشکلات پابرجا هستند. بر فرض محال (که البته فرض محال، محال نیست) نگارنده موفق شد خواننده‌ای را مجاب کند فلان کتاب، خواندنی است و خواننده‌ی محترم هوس بفرماید کتاب مذکور را بخواند، خوب از کجا پیدایش کند، جناب نگارنده؟ نباید بساطی راه انداخت که دست آخر باز دُمش بماند دست خود

اگر مایل به همکاری با این صفحه هستید، نوشته‌ی خود را به آدرس
ای میل زیر بفرستید. از همکاری شما سپاسگزاریم.

littpage@gmail.com

تحریریه

فستیوال فیلم مونترال و بخش ایرانی / افغانی آن

«آرام باش و تا هفت بشمار»

رامتین لوفی پور

این فیلم، روستایی در جنوب ایران را به تصویر کشیده است که مردم از طریق ماهی گیری به امرار معاش می پردازند. لوفی پور در این فیلم، تغییر روش زندگی مردم و رواج یافتن قاچاق کالا از بنادر و تاثیر آن بر این روستای کوچک را نشان داده است. صحنه های این فیلم یاد آور فیلم «دونده» از امیر نادری و فیلم «جزیره ی آهنی» از محمد رسولف است. برخی ناظران معتقد هستند این فیلم از لحاظ صوتی و تصویری توجه زیادی را به خود جلب خواهد کرد.

این فیلم تولید شبکه ی دوم صدا و سیمای ایران است. حضور چند فیلم از تولیدات موسسات دولتی ایران برای برخی ها این سؤال را ایجاد کرده است که آیا سینمای سفارشی ایران در میدان های بین المللی راه پیدا می کند؟

ARAM BASH VA TA HAFT BESHMAR

August 27, 2008 • 12:30 • CINÉMA QUARTIER LATIN 10

August 28, 2008 • 21:30 • CINÉMA QUARTIER LATIN 10

August 31, 2008 • 12:40 • CINÉMA QUARTIER LATIN 10

«نیلوفر»

زابینه ال جمال / ایران، فرانسه و لبنان

داستان فیلم از یک دختر دوازده ساله حکایت می کند که در دهکده او مدرسه رفتن امتیاز ویژه پسران است. آرزوی دخترک این است که خواندن و نوشتن را یاد بگیرد.

در تلاش برای یادگیری با پیرزن خردمندی آشنا می شود که به طور پنهانی به او خواندن و نوشتن می آموزد. از سوی دیگر پدر او برنامه ازدواج نیلوفر با مردی سالمند را تدارک می بیند. قرار است که به مجرد پیدا شدن آثار بلوغ، وی را شوهر دهند. نیلوفر تمام تلاش خود را به کار می گیرد تا اولین قاعدگی خود را به عقب باندازد. اما او سرانجام بالغ میشود. از آن پس تلاش نیلوفر در پنهان کردن این واقعه است.

در این فیلم رویا نونهالی، فاطمه معتمد آریا، صادق صفایی، شهاب حسینی، نیره فراهانی، هنگامه قاضیانی، امیر آقایی، تورج فرامرزیان، رضا مسعودی، علیرضا ضیایی، مبینا آینه دار و ساغر سلیمانی نقش آفرینی می کنند.

August 27, 2008 • 10:00 • CINÉMA QUARTIER LATIN 12

August 27, 2008 • 21:40 • CINÉMA QUARTIER LATIN 9

August 31, 2008 • 19:20 • CINÉMA QUARTIER LATIN 9

«هر شب، تنهایی»

رسول صدرعاملی / ایران

نقش اول این فیلم، نویسنده و مجری یک برنامه خانوادگی رادیویی است. او به سؤالات شنوندگانش در مورد مشکلات زندگی زناشویی پاسخ می دهد و به آنها کمک می کند تا آنها را حل کنند. اما در عین حال او خود مشکلاتی در زندگی زناشویی با همسرش دارد. مشکلاتی که هیچ برنامه رادیویی قادر به حل آن نیست.

رسول صدرعاملی، متولد ۱۹۵۳ در تهران است که مدرک خود را در فرانسه در رشته روانشناسی گرفته و بعد از برگشت به ایران، فیلم باران خون از امی قویدل را تولید کرده است. از آن زمان تا به حال او فیلم های گل داودی (۱۹۸۳)، پاییزان (۱۹۸۷)، قربانی (۱۹۹۱)، سنفونی تهران (۱۹۹۳)، دختری با کفش های کتانی (۱۹۹۹)، من ترانه ۱۵ سال دارم (۲۰۰۲) و دیشب باباتو دیدم آیدا (۲۰۰۵) را ساخته است.

پنجشنبه ۲۱ آگوست ۲۰۰۸ سی و دومین جشنواره جهانی فیلم مونترال که یکی از مهم ترین جشنواره های جهانی فیلم است کار خود را آغاز می کند. در اینجا تعدادی از فیلم هایی که هنرمندان ایرانی و یا افغانی در آنها نقش آفریده و یا آن ها را کارگردانی کرده اند به طور کوتاه معرفی شده اند. برای تهیه این نوشتار از اطلاعات سایت رسمی فستیوال فیلم مونترال استفاده شده است. در زیر توضیحات مربوط به هر فیلم اعم از تاریخ، محل و ساعات پخش آن آورده شده است

«آواز گنجشک ها»

مجید مجیدی / ایران

این فیلم داستان زندگی مردی به نام کریم است. او در یک مزرعه پرورش شترمرغ کار می کند و با در آمد خود یک زندگی معمولی رامی گذراند. روزی یکی از شتر مرغ ها فرار کرده، کریم مسئول شناخته می شود و از کارش اخراج می شود. فقر روزافزون به دلیل نداشتن شغل منظم و برخورد با چهره زشت زندگی شهری و بازار های کار شهر به تدریج بر رفتار و اخلاق او تاثیر گذاشته وی را از مردی مهربان و سخاوتمند، به انسانی گوشت تلخ تبدیل می کند. او دیگر مهربان و با گذشت نیست و معیار های زندگی اش تغییر کرده است. تا اینکه در حادثه ای پای او می شکند و برای مدتی او را خانه نشین می کند. در این مدت او با دیدن تلاش خانواده اش و کمک های زیادی که همان همسایه های فقیرشان به آنها می کنند رفته رفته به سرشت اصلی خود برمیگردد. این فیلم به زبان فارسی پخش می شود.

مجید مجیدی فارغ التحصیل رشته سینما از دانشگاه تهران است و آثار زیادی دارد که بسیاری از آنها برنده جوایز بین المللی بوده اند.

AVAZE GONJESHK-HA,

August 29, 2008 • 19:10:00 • CINÉMA QUARTIER LATIN 9

August 30, 2008 • 14:40:00 • CINÉMA QUARTIER LATIN 9

August 31, 2008 • 14:40:00 • CINÉMA QUARTIER LATIN 9

«شبیبه دیگران باش»

طناز عشاقیان / آمریکا

فیلم « شبیه دیگران باش» ساخته فیلمساز جوان ایرانی طنازعشاقیان است. عشاقیان از سن ۶ سالگی در آمریکا بزرگ شده و در دانشگاه براون درس خوانده است. او چندین فیلم مستند دیگر هم دارد که همگی به مسائل ایران می پردازد. این اولین فیلم اوست که در ایران فیلم برداری شده و در حقیقت سخن محمود احمدی نژاد را مبنی بر اینکه در ایران «همجنس گرایی» وجود ندارد، بررسی کرده و به نوعی آن را به تمسخر می کشد.

می دانیم که طبق قوانین اسلامی مجازات همجنس گرایی « مرگ» است اما جالب اینجاست که تغییر جنسیت نه تنها در ایران قانونی است بلکه برای آن نوعی تسهیلات وجود دارد. عشاقیان در این کار به حکومت روحانیون در ایران پرداخته و به مسئله همجنس گرایی، از دید کسانی که در حاشیه جامعه قرار دارند، نگاه می کند.

فیلم « مثل دیگران باش» محصول آمریکا بوده و به زبان فارسی پخش می شود.

BE LIKE OTHERS

August 30, 2008 • 14:40:00 • CINÉMA QUARTIER LATIN 14

August 31, 2008 • 19:20:00 • CINÉMA QUARTIER LATIN 14

September 01, 2008 • 12:40:00 • CINÉMA QUARTIER LATIN



«صبح می آید»

پویان جعفرزاده دزفولی
/ کانادا / رنگی / ۱۷ دقیقه

این فیلم در بخش دانشجویی فستیوال به نمایش در می آید. پویان دزفولی در این کار در هويت فرد کند وکاو می کند.

Morning Will Come
August 25, 2008 • 21:30:00 • CINÉMA ONF • Farsi s.t

«جوان مرد و زیبا ماند»

الین یعقوبیان / آمریکا و کانادا

این فیلم مستند، روحیه خلاق یک گروه منحصر به فرد از هنرمندان گرافیک را بررسی می کند. اینها گروه ویژه ای از طراحان هستند که خارج از محدوده خود ناشناخته باقی مانده اند. این گروه زبان تصویری آفریده است که با آن، فرهنگ پنهان تمدن غرب را به نمایش می گذارد. این گروه هنرمندان با جسارت تمام، فرهنگ مذکور را به رخ جامعه محترم می کشد

الین یعقوبیان فیلمساز کانادایی است که در ایران به دنیا آمده است. در فیلم های متعددی به عنوان طراح تولید، طراح صحنه، و کارگردان کار کرده است. کارهای او در تورنتو، نیویورک، سانفرانسیسکو، و ونکوور تولید شده اند. فیلم های کوتاه او در سطح ملی و بین المللی به نمایش در آمده اند. برخی کارهای او در موزه های کانادا، آمریکا و اروپا به نمایش گذاشته می شوند.

DIED YOUNG STAYED PRETTY

August 29, 2008 • 19:00:00 • CINÉMA ONF • Ang.
August 30, 2008 • 13:00:00 • CINÉMA ONF • Ang.
August 31, 2008 • 17:00:00 • CINÉMA ONF • Ang.

«غریبه ای در من»

امیلی عاطف / آلمان

این فیلم داستان زندگی زنی به نام ربکا است که با همسرش جولین، در کمال خوشبختی زندگی می کند و صاحب فرزند می شوند. پس از به دنیا آمدن فرزندش، ربکا متوجه می شود که به جای عشق بی پایان مادرانه، او در احساسات خود، دچار آشفتگی شدیدی است. هر چه بیشتر می گذرد بیشتر در می یابد که در ایجاد این احساس مادرانه نا توان است و این را نمی تواند به هیچ کس حتی به همسرش بگوید. در نهایت او دچار افسردگی بسیار عمیق و خطرناکی می شود تا اینکه اطرافیان متوجه شده و او را نزد پزشک می برند. در نهایت او به تدریج بهبود یافته و رفته رفته برای لبخند فرزندش بیقرار می شود. این فیلم به زبان آلمانی پخش می شود.

امیلی عاطف از مادری فرانسوی و پدری ایرانی در برلین متولد شده است

.DAS FREMDE IN MIR

August 29, 2008 • 10:00:00 • CINÉMA QUARTIER LATIN 15
August 30, 2008 • 17:00:00 • CINÉMA QUARTIER LATIN 15
Sept. 01, 2008 • 17:00:00 • CINÉMA QUARTIER LATIN 15

«HAR SHAB TANHAE»

August 27, 2008 • 10:20:00 • CINÉMA QUARTIER LATIN 15
August 28, 2008 • 21:40:00 • CINÉMA QUARTIER LATIN 15
August 31, 2008 • 10:00:00 • CINÉMA QUARTIER LATIN 15
August 31, 2008 • 19:20:00 • CINÉMA QUARTIER LATIN 15

«فرشتگان در خط می میرند»

بابک امینی / ایران، عراق و کردستان

داستان یک دختر کردعراقی است که با فروختن استخوان های سربازان ایرانی باقی مانده از جنگ ایران و عراق روزگار می گذراند. روزی با یک واقعه ی تروریستی مواجه می شود که در آن به یک سرباز آمریکایی حمله شده است. او سعی می کند کمک کند.....

بابک امینی متولد ۱۹۷۸ در کردستان ایران، فارغ التحصیل فلسفه از دانشگاه تهران و بمدت ۱۰ سال به عنوان دستیار بهمن قبادی کار کرده است. او در ساخت فیلم های «در میان دیگران»، «زمانی برای مستی اسب ها»، «لاک پشت ها پرواز می کنند» و «هلال ماه» (۲۰۰۶) در کنار بهمن قبادی کار کرده است.

Fereshtegan Dar Khat Mimirand

August 27, 2008 • 12:10:00 • CINÉMA QUARTIER LATIN 14
August 27, 2008 • 19:00:00 • CINÉMA QUARTIER LATIN 14.
August 28, 2008 • 12:20:00 • CINÉMA QUARTIER LATIN 14.
August 29, 2008 • 17:00:00 • CINÉMA QUARTIER LATIN 14.

«عروسک ها و بمب ها»

آیشه جمال / کانادا

در بخش فیلم مستند بین المللی، فیلم رنگی ۴۰ دقیقه ای عروسک ها و بمب ها کار آیشا جمال به نمایش در می آید.

این فیلم زندگی کودکان افغانی را که در شرایط جنگی رشد می کنند از دید آشنای کارگردان زن افغانی بررسی می کند. در این فیلم شش کودک پشتون از ترس حملات و بمب های طالبان مجبور به دور ماندن از درس و مدرسه می شوند.

آیشه جمال کارگردان این فیلم در سال ۱۹۷۸ در قندهار به دنیا آمد. در سنین کودکی به کانادا آمد. در رشته روابط بین الملل از دانشگاه بریتیش کلمبیا لیسانس گرفت. او در حال حاضر در دانشگاه تورنتو به تحصیل سینمای معاصر آلمان در مقطع دکترا مشغول است.

Dolls & Bombs

August 23, 2008 • 21:30:00 • CINÉMA QUARTIER LATIN 14
August 24, 2008 • 10:00:00 • CINÉMA QUARTIER LATIN 14

«شیرین ترین آغوش: آغوش وطن»

نجیب میرزا / کانادا و سوئیس

سورگل و امیر از کودکانی هستند که از افغانستان به تاجیکستان فرستاده شدند تا در دوره جنگ با شوروی در دهه ی ۱۹۸۰ در امان باشند. دیرتر کانادا آنها را به عنوان پناهنده می پذیرد. در این فیلم هر دوی آنها به کشورشان باز می گردند تا خانواده خود را پیداکنند. در جریان جستجوی هويت خود مسیر آنها از هم جدا شده و با وقایع غیر قابل پیش بینی مواجه می شوند.

نجیب میرزاوقتی پسری جوان بود از پاکستان به کانادا مهاجرت می کند و در ادمونتون بزرگ می شود. سپس علاقه ی او به مسافرت و مردم، با کار در سینما خود را نمایان می کند. در ۲۰۰۴ فیلم «آوای چوپان» و در ۲۰۰۵ «فلک، آواز روح» را کارگردانی می کند.

THE SWEETEST EMBRACE: RETURN TO AFGHANISTAN,

August 22, 2008 • 14:40:00 • CINÉMA QUARTIER LATIN 16
August 27, 2008 • 16:00:00 • CINÉMA ONF • ONF.27.3

ساناز ستوده: همناواری جز همدلی نیست

گزارش سفری به دنیای معنوی هنر



ساناز ستوده، در مومعه "صلیب مقدس" در اتریش/ پیش از آغاز کنسرت



ساناز ستوده و الکساندر هیل

حس می کند. به نظر می آید یکی از هدف های دین لارسن در بنیانگذاری این انستیتو، آشنایی هنرمندان با دنیایی متفاوت از دنیای مادی، تجاری ما است. دین لارسن می داند که هنرمند جوان در این دنیا زندگی می کند و هر روز با مقتضیات آن روبرو می شود و خواه نا خواه در شرایطی قرار می گیرد که نمی تواند از تاثیر مداوم جهان مادی، تجاری بگریزد.

ساناز ستوده می گوید: «در طی این ۲۵ روز، من و الکساندر هیل، که دانشجوی آواز در مک گیل است، با ۸ تن از بهترین استادان از سراسر جهان به طور تمام وقت آموزش داشتیم. کلاس های روزانه هر صبح با دکتر دین لارسن شروع می شد که رابطه شعر و موسیقی موضوع آن بود. من هم دو غزل از حافظ را در کلاس خواندم.»

او ادامه می دهد: «آشنایی دکتر لارسن با حافظ و عرفان ایرانی برایم بسیار جالب بود»

یکی دیگر از واحدهای آموزشی این دوره فشرده هنری، تمرین همراهی روحی و یگانگی درونی خواننده و نوازنده است. در این رابطه ساناز خاطره ای از کلاس های خود در اتریش می گوید که نشانگر تاثیر این دوره برای هنرجو و هنرمند جوان است: «در یکی از کلاس های همناواری که توسط یکی از استادان معروف تئاتر اداره می شد تمرین این بود که چشم های خود را ببندیم و خود را در یک محل تصور کنیم. بعد هر کدام، با راهنمایی استاد گام به گام به وجود و روح دیگری نزدیک می شدیم. برای من اینطور بود که پس از مدتی خودم را در جای الکساندرا و در ذهن او حس می کردم. اجرایی که پس از این تمرین داشتیم از نظر هماهنگی درونی برای من در کیفیت جدیدی قرار داشت. این حس را داشتم که همناواری واقعی، تنها زمانی ممکن می شود که گروه به همدلی و هماهنگی درونی برسد.»

ساناز و الکساندرا در این دوره یک ماهه ۴ کنسرت گروهی داشتند که یکی از آنها در خانه و محل سکونت بتهون برگزار شد. ساناز می گوید: «وقتی که با آن پیانوی کوچک می نواختم، احساسی ویژه و دلنشین داشتم چرا که می دانستم این همان سازی است که روزی توسط بتهون بزرگ نواخته شده و اعجاز ها با آن آفریده شده است.»

ساناز ستوده در میانه دهه بیست زندگی و دانشجوی مقطع فوق لیسانس در دانشگاه مک گیل است. اخیرا جایزه ای به او تعلق گرفت که دست آورد مهمی برایش داشت. این جایزه اگرچه از ارزش مادی مشخصی برخوردار است اما آنچه برای او از این جایزه باقی ماند پول نیست.

پیانیست جوان، ساناز ستوده کمتر از ده سال پیش، بعد از اینکه اولین جایزه خود را برای نواختن پیانو دریافت کرد به کانادا آمد. تحصیل در رشته موسیقی در مک گیل را آغاز کرد. یکی از استادان او مدتی پیش، بعد از یکی از کنسرت های موفق ساناز، در یک مصاحبه به رادیو چکاوک گفته بود: «استعداد او عالی و پیگیری او در یادگیری کم نظیر است. او بی شک موفق خواهد.»

ساناز ستوده می گوید: «استادم Michael McMahon که یکی از بهترین استادان پیانو در کانادا است مرا تشویق کرد تا برای شرکت در کورس تابستانی Summer Master Course در دانشکده هنری فرانسیس شوبرت در اتریش تقاضا بفرستم. به سایت دانشکده مراجعه کردم. پذیرش در این کورس نه فقط آسان نیست بلکه خیلی هم پر مخارج است. با تردید روبرو بودم که آیا از پس آن بر می آیم یا نه. به هر حال پس از پافشاری آقای مک من، اقدام کردم.»

جایزه ای که دانشگاه مک گیل و انستیتوی فرانسیس شوبرت به ساناز ستوده دادند راه این سفر را هموار و انجام آن را عملی کرد. کورس تابستانی فرانسیس شوبرت شامل ۲۵ روز آموزش تمام وقت است. طی ۲۴ روز ۸ استاد از بهترین های این رشته که از سراسر جهان برای تدریس دعوت می شوند. هر یک به مدت سه روز همناواری میان یک خواننده و یک پیانیست را آموزش می دهند. امسال جولوس دارک، استاد رویال آکادمی لندن و اللی املینگ، خواننده هنرمند و معروف دانمارکی در میان آموزگاران بودند.

این پیانیست جوان می گوید: «۲۷ ژوئن تا ۲ آگوست در شهر بادن در نزدیکی وین بودم. کلاس ها خیلی فشرده بود اما احساس خستگی به آدم دست نمی داد. صبح ها با دکتر دین لارسن کلاس داشتیم. در کلاس او با اهمیت شعر در موسیقی آشنا می شدیم.»

دکتر دین لارسن ۶۵ ساله بنیانگذار دانشکده هنری فرانسیس شوبرت در نزدیکی وین است. آمریکایی تبار است و از سال ۱۹۷۳ در وین زندگی می کند. به گونه عشق می ورزد. از طریق گوته با حافظ و از مسیر حافظ با عرفان ایرانی آشنا شده است. ساناز می گوید: «دکتر لارسن می گفت، بعد از این کورس شما انسان های دیگری خواهید بود.» و این هنرمند جوان، این گفته لارسن را در مورد خودش به خوبی

شوراهای شهری: حلقه‌ی گمشده‌ی مردم‌سالاری

مانع‌های رشد نهادهای دموکراسی شهری در ایران

• گزارش از میترا روشن



عصر چهارشنبه ۶ اوت ۲۰۰۸ بخش مطالعات ایران‌شناسی دانشگاه کنکور دیا در مونتال میزبان دکتر مصطفی ازکیا، عضو هیات علمی دانشگاه تهران و بنیانگذار رشته‌ی توسعه‌ی روستایی در ایران بود. سخنرانی در یکی از سالن‌های ساختمان هال (Hall) برگزار شد. موضوع سخنرانی بررسی نتیجه‌های کار دو دوره‌ی شوراهای شهر در ایران بود. بعد از ارائه‌ی بحثی ۴۵ دقیقه‌ای، نوبت ۳۰ دقیقه برای پرسش و پاسخ بود.

دکتر مصطفی ازکیا، جامعه‌شناس و پژوهشگر معاصر، بیش از چهل سال است در کنار تدریس، در نقطه‌های مختلف ایران در زمینه‌ی «چالش‌های عمده در دستیابی به توسعه‌ی روستایی پایدار در ایران» مشغول پژوهش بوده و کتابی نیز با همین عنوان در کنار «جامعه‌شناسی توسعه» و مجموعه مقاله‌های تحقیقی و علمی خود منتشر کرده است. در زیر خلاصه‌ای از سخنرانی دکتر ازکیا در کنکور دیا آمده است.

به وسیله‌ی حاکمانی اداره می‌شدند که نماینده‌ی شاه و رابط حکومت مرکزی و مردم بودند. آنها برای سروسامان دادن به امور شهرها از گروه‌های میانجی مانند کلانتران یا کدخدایان محله سود می‌بردند که از خانواده‌های سرشناس شهر بودند و موقعیت آنان مانند کلانترها ارثی بود. رواج اولین اداره‌های شهری به صورت نوین را در آغاز سلسله‌ی پهلوی، در دوران رضا شاه می‌بینیم. ولی شوراهای نیز مانند دیگر نهادهای مردم‌سالار در این نظام متمرکز جایی نداشتند. انقلاب تجربه‌ی جدیدی در این زمینه بود. طبق ماده‌ی ۱۳۶ قانون اساسی، دولت موظف بود پس از ۴ سال، بخشی از قدرت خود را به شوراهای بدهد. امری که هنوز عملی نشده است.

دکتر ازکیا در ادامه در باره‌ی موضوع تحقیق خود گفت:

سوال این بود که شوراهای شهر، که قرار است هم نظریه‌ی توسعه‌ی شهری را تبیین کنند و هم نمایندگی و نظارت و اجرا را به مردم بدهند تا در نتیجه، مردم در امور توسعه‌ی محلی قرار گیرند، در ساختار حکومت متمرکز مانند حکومت ایران چه قدر می‌توانند کارکرد داشته باشند؟ و چه قدر می‌توانند نقش ایفا کنند؟

این جامعه‌شناس در پاسخ به سوال بالا توضیح داد:

ما دو دوره از شوراهای شهر را در ایران آزمودیم. الان دومین تحقیق رو به اتمام است. میزان مشارکت مردم در اولین انتخابات شوراهای ۶۸ درصد بود که در دور دوم به ۵۰ درصد کاهش پیدا کرد. در شهرهای بزرگ حتا این میزان به ۱۲ درصد رسید. متأسفانه مردم، شوراهای را جدی نگرفتند. این از مشارکت. سوی دیگر در کارکرد شوراهاست. نظرسنجی‌ها نشان داد فقط ۲۰ درصد مردم از عملکرد این شوراهای رضایت داشته‌اند و ۸۰ درصد گفتند شوراهای انتظاراتشان را برآورده نکرده... برخی شکایت می‌کردند که حالا مردم باید یک پولی هم به شورا بدهند تا کارشان راه بیفتد!

همان طور که می‌دانید رشته‌ی اصلی تحقیقات من در چهل و پنج سال اخیر، توسعه‌ی منطقه‌های روستایی ایران بوده است یعنی مظلوم‌ترین منطقه‌ها. ما پیش از انقلاب ۵ برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی داشتیم، بعد از انقلاب هم ۴ برنامه که الان در دوره‌ی چهارم آن هستیم ولی تنها یکی از آنها برای بخش کشاورزی اهمیت قائل شده و در بقیه، صنعت محور همه‌ی برنامه بوده است. حتا ایجاد سدها برای آبرسانی به صنعت بوده است نه به دشت‌های کشاورزی. بی‌سبب نیست که تولید ماشین از ۱۰۰ هزار به ۱ میلیون رسیده... از امکان‌های برنامه‌های توسعه‌ی قبل و بعد از انقلاب، شهرها بیشتر از روستاها سود بردند و نتیجه این شده که ما امروز ۴۲ هزار روستای بدون سکنه داریم، روستاهایی که مردم از شهر باید بروند در آنجا کشاورزی کنند.

در ادامه‌ی تحقیقاتم در روستاها و شهرهای کوچک بود که تصمیم گرفتم موضوع جدید شوراهای شهر را پیگیری کنم که زیاد کار نشده بود. سعی کردم که با مطالعه‌ی اسناد قانونی و تاریخ نهادهای مردم‌سالار با روشی مبتنی بر نظریه‌ی بنیانی و مطالعه‌ی کیفی، مدلی یگانه برای توسعه‌ی این بنیانی‌ترین نهاد مردم‌سالاری در ایران بسازم. برای توضیح چگونگی ماجرا نیاز به تحقیق کیفی داشتیم که در ایران کم انجام می‌شود. سعی کردم نظریه‌ی ساخته و پرداخته را در جامعه به کار نبریم و تلاش کنیم بر اساس فرآوری داده‌ها از مجموعه‌ی تشابه‌ها و اختلاف‌ها به قضیه‌های ارتباطی پی ببریم و مدلی را بسازیم که با آن، داستان انجمن شهر را روایت کنیم.

اگر رابطه‌ی مردم‌سالاری و توسعه را بپذیریم، ضعف نهادهای مردم‌سالار می‌توانند مانعی برای فعالیت‌های توسعه‌ای باشند. می‌دانیم که در ایران معاصر، تشکیل سازمان‌های مردم‌سالار برای اداره‌ی شهر سابقه نداشته است. از مشروطیت به بعد تلاش‌هایی شد که انجمن‌های بلدیہ درست کنند ولی به دلیل تمرکز و تحولات سیاسی، شوراهای شهری دوامی پیدا نکردند. در دوران‌های قدیم‌تر شهرهای ایران

اگرچه کریشنا (C. M. Krishna) در هند اشاره کرده که در مطالعه‌های توسعه، ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه، اهمیت خاص دارند و نمی‌توان نتیجه‌ی تحقیقی را چشم بسته برای دیگر کشورها به کار برد، با این حال سعی کردم نظریه‌های جامعه‌های توسعه یافته و اندیشمندانی مانند دورکیم (Émile Durkheim) را نیز در جامعه‌ی توسعه‌نیافته‌ای مانند ایران تبیین کنم.

بیشتر محققان توسعه، ضمن اشاره به ارتباط بین حکومت‌ها و نهادهای مردم‌سالار و عملکرد خوب دولت، از نظریه‌ی «سرمایه‌ی اجتماعی» استفاده کرده‌اند. سرمایه‌ی اجتماعی مجموعه‌ی جامعه‌ی مدنی، فرهنگ مدنی، کثرت‌گرایی (pluralism)، زندگی انجمنی که حاصل تعامل رابطه‌های اجتماعی مبتنی بر اعتماد است، و

آن رابطه‌ی بده بستانی با تاکید بر نقش شبکه‌های مدنی است که هرچه در جامعه‌ی بیشتر باشد آن جامعه بهتر می‌تواند در حوزه‌های اجتماعی به توفیق نائل شود. ما سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی داریم و برون‌گروهی نه. و برای توسعه باید اولی را به دومی تبدیل کنیم. الان پل بین اجزای سرمایه‌ی اجتماعی ضعیف است و مشارکت ایرانیان در سطح قوم و قبیله و خانواده است و بالاتر نمی‌آید. عملکرد خوب حکومت و مردم نیز موثر است. هرچه حکومت بیشتر به مردم مسئولیت بدهد، کارایی نهادها بیشتر می‌شود، قانونمند بودن مردم باعث می‌شود که پلیس کمتری داشته باشیم، هزینه‌های اجرای مقررات کاهش

می‌یابد و به فضیلت مدنی می‌انجامد. بخشی از این سرمایه، نخبگان و بخصوص سازش میان نخبگان متخاصم است.

ما در نتیجه‌ی تحقیق، سه عامل اصلی را مانع توسعه کار شوراهای شهر پیدا کردیم که نخستین و مهم‌ترین آنها، ساختار متمرکز و تمام‌خواه (totalitarian) است. علاوه بر آن، استقلال مالی دولت از مردم، که درآمد نفت باعث آن است، سبب می‌شود نهادهای مردم‌سالار مانند انجمن شهر نیز برای تأمین بودجه‌ی خود نیازمند درآمد نفت باشند یعنی همان بودجه‌ای که در اختیار دولت مرکزی است.

دومین مانع، ابهام قانون است. وقتی می‌گوییم شورای شهر، یعنی تمام سازمان‌ها باید با شورای شهر همکاری دوگانه داشته باشند. در بعضی جاها روحیه‌ی تضاد با شورا وجود داشت. دولتی که در شهری کوچک ۳۰ تا ۳۵ اداره - از مخابرات و برق و آب تا شهرداری - با برنامه‌های ارسالی از تهران دارد، به شورای محلی شهر جایی برای مانور نمی‌دهد.

مانع سوم، ضعف فرهنگی نهادهای مردم‌سالار است. عضوهای شوراهای شهر نمی‌توانستند همدیگر را تحمل کنند! مردم مبارزه و حل اختلاف به طریق مردم‌سالارانه را بلد نبودند. هنگام هر پیشامدی به جای یافتن راه حل‌های محلی و درون‌شهری، حمایت‌های دیوان‌سالارانه‌ی دولت را از بالا جستجو می‌کردند! در حالی که قرار بود دولت اختیارهایش را پس از ۴ سال تجربه به شورای شهر بدهد، عضوهای شورا دایم شکایت می‌کردند که شوراها به حال خود رها شده‌اند و دولت نظارتی بر کارشان ندارد! اگر در دوره‌ی اول، شوراها دنبال جا و بنیان و نهادینه کردن و نهادخواهی و تهیه‌ی آیین‌نامه‌ی داخلی و انتخابات و دعوت مردم بودند، در دور دوم شوراها، رویکرد حمایت‌خواهی و نظارت‌خواهی از دولت برای کوتاه کردن بحث‌ها و وادار کردن دولت به دخالت در امور شوراها بود! حتا بحث نگرانی از آینده و امتناع از مشارکت برای دور سوم در میان بود!

ما سه عامل دیگر یعنی رابطه‌های درون‌گروهی و برون‌گروهی، وضعیت مالی و انسانی شهرداری‌ها، و تجربه و تحصیلات عضوهای شوراها را نیز مطالعه کردیم.

از دستاوردهای جالب تحقیق ما، تأثیر مثبت جنسیت و اقلیت‌های قومی بر عملکرد شوراها بود. گروه‌های حاشیه‌ای مانند زنان یا اقلیت‌های قومی و زبانی و مذهبی، بیشترین استقبال از شوراها را کردند. شورا به آنان هویتی می‌داد که از طریق آن می‌توانستند چیزهایی را که دولت به آنها نداده از راه مردم‌سالارانه بگیرند. یعنی نهادخواهی به جای حمایت‌خواهی. هفت درصد عضوهای شوراهای شهری خانم‌ها بودند و اتفاقاً همین زنان بودند که از این که توانسته بودند با عضویت در شورا نقش بالایی پیدا کنند به

ادامه‌ی کار شوراها دلگرم بودند و به حرف‌های مخالف یا دلسردکننده گوش نمی‌دادند! در شورای شهر اهواز خانمی بود که دکتری روان‌شناسی داشت و متعلق به یکی از خانواده‌های بانفوذ شهر بود. اعضای شورا دوبار بدون این خانم تشکیل جلسه داده بودند با این حال تصمیم نهایی را موکول به حضور او کردند. من این پدیده را در کردستان هم مشاهده کردم. متأسفانه مردم دور دوم دیگر شوراها را جدی نگرفتند. بعضی‌ها که اصلاً برای شوخی نامزد شده و آمده بودند! در اندیمشک، آقای بسیار چاقی را با وانت برای ثبت نام آوردند...

خلاصه با این که نمی‌خواهم بدبین باشم ولی به نظر می‌رسد با این که قرار بود دولت اختیارهایش را به شورای شهر بدهد و برنامه‌ریزی محلی از پایین به بالا باشد ولی این اتفاق هنوز در ایران نیفتاده است. شوراها دچار مسئله‌های اشاره شده یا نشده هستند - مثل نگاه سیاسی-امنیتی. ولی مهم‌ترین مانع همان است که همکار محقق من ۳۵ سال پیش گفت، امروز نیز نظام متمرکز و تمام‌خواه به عنوان مانعی در توسعه عمل می‌کند و مادام که دولت امتیاز ندهد همین خواهد بود.

در حاشیه‌ی سخنرانی:

با توجه به تخصصی بودن موضوع، بسیاری از شرکت‌کنندگان استادان و دانشجویان بودند.

یکی از فعالان ایرانی مونترال که سخنرانی را تحریم کرده بود گفت: «ما نمی‌آییم چون ایشان دارد در دانشگاه‌های ایران درس می‌دهد و برای تحقیقاتش از دولت حقوق می‌گیرد، پس عامل رژیم جمهوری اسلامی است!»

یک سوم حاضران شاگردان سابق استاد بودند. در پایان جلسه یکی از آنان به تکراری بودن بحث‌ها و مشابهت آن با تحقیقات دانشگاهی انتقاد کرد!

چند استاد و دانشجوی غیرایرانی حاضر در جلسه توانستند از امکان ترجمه‌ی همزمان خانم دکتر رکسانا بهرامی‌تاش بهره‌مند شوند و در پرسش و پاسخ شرکت کنند. آنها پدیده‌ی شورای شهر در ایران را به عنوان بخشی از مطالعاتشان در چگونگی سازوکار نهادهای مردم‌سالار در شهرهای خاورمیانه، موضوع جالبی می‌دانستند و سخنرانی را پرمتحوا یافتند.

هر شنبه هفتا
را روی وب سایت چکاوک بخوانید!
www.chacavac.com

سفر به اعماق زمان بخش هفتم: آنسوی افق کیهانی

دکتر امید صارمی _ مک گیل _ مونترال

از دید ناظر ت (و ت هم پشت «افق کیهانی» از دید ناظر پ) پنهان شده است. حال برای این که معما را توضیح دهم، بگذارید یادآوری کنم که تابش زمینه‌ی کیهانی با دقت بسیار بالایی یکنواخت است. یعنی هر دو نقطه‌ی دلخواه آ و ب از سوپ داغ آغازین تقریباً هم‌دما هستند. حالا خوانندگان تندوتیزمان می‌توانند به سادگی معمای کیهانی را ببینند. اگر در سوپ داغ آغازین نقطه‌هایی مثل آ و ب وجود دارند که قادر نیستند با هم ارتباط برقرار کنند یعنی آ پشت افق کیهانی ب (و ب پشت افق کیهانی آ) پنهان شده باشد پس هیچ راهی برای آنها وجود نداشته که دماهایشان را به هم اطلاع بدهند و آن را روی عددی ثابت تنظیم کنند.

پس چگونه تابش زمینه‌ی کیهانی هم‌دماست حتا برای نقطه‌هایی از آسمان که در دو جهت متضاد آسمان قرار گرفته‌اند؟! این معما به «مسئله‌ی افق» معروف است و در واقع از اشکال‌های جدی نظریه‌ی مهبانگ در شکل آغازین آن به حساب می‌آید. در ژانویه ۱۹۸۰ میلادی/دی ۱۳۵۹ خ. «آلن گوث» (Alan Guth)، فیزیکدان آمریکایی، فرضیه‌ی جالبی برای حل «مسئله‌ی افق» پیش کشید. پیشنهاد او از چندین جنبه، بسیار انقلابی به حساب می‌آید. آلن گوث پیشنهاد کرد که جهان ما می‌بایست در لحظه‌های نخستین تولد خود با آهنگی «نمایی» به گونه‌ای تقریباً ناگهانی از اندازه‌های بسیار کوچک تا ابعاد بزرگ‌تر رشد یافته باشد. او این رشد سریع را «تورم» نامید. نکته‌ی جالب و انقلابی این که او برای آن که بتواند جهانی «تورمی» را از دل معادله‌های انیشتین بیرون بکشد مجبور شد فرض کند که «خلاء» می‌تواند «فشار منفی» ایجاد کند که به جای رُمبش (collapse) و در هم فرورفتگی، باعث انبساط و تورم هستی شود!! این فرضیه می‌تواند با موفقیت «مسئله‌ی افق» را حل کند.

به زبان ساده، نظریه‌ی تورمی می‌گوید که هر دو نقطه‌ی آسمان امروز، از حجم بسیار بسیار کوچکی تا به اندازه‌ی امروزی‌اش رشد کرده، پس نقطه‌های دور امروزی، در گذشته فرصت برقراری ارتباط داشته‌اند و در جریان این برقراری ارتباط، موفق شده‌اند تا خود را «هم‌دما» سازند. امروزه نظریه‌ی تورمی را بخشی از نظریه‌ی مهبانگ در نظر می‌گیرند. البته مدل «عالم تورمی» دشمنان سرسختی هم میان فیزیکدانان دارد. آزمایش کردن مدل‌هایی که بر مبنای ایده‌ی تورم کار می‌کنند، کار دشواری است و تا روزی که آزمایش بتواند روشن سازد که کدام مدل درست است، بحث و مجادله میان فیزیکدانان ادامه خواهد یافت. ما همچنان به سفر کیهانی خود در دل زمان و مکان ادامه می‌دهیم... یک هفته‌ی دیگر صبر کنید!

هفته‌ی پیش در آخرین بخش سفرمان به گذشته‌های دور با «سنگواره» ای کیهانی روبرو شدیم. گفتیم که «تابش زمینه‌ی کیهانی» که تمام سوراخ سنبه‌های کیهان را پر کرده است مانند سنگواره‌ای شاهده‌ی تجربی برای انفجاری است که در پی آن زمان و مکان آغاز شد. بدین ترتیب و با استفاده از تشعشع‌هایی که امروز در تمام نقطه‌های جهان وجود دارد نشان دادیم که چگونه نایکنواختی چگالی «سوپ آغازین» باعث شده است تا کهکشان‌ها، ستارگان و خلاصه زمین و زمان شکل بگیرد. در ادامه‌ی داستان، می‌خواهیم ببینیم که آیا اشکالی هم به نظریه‌ی مهبانگ وارد است یا نه؟

امروز، در ادامه‌ی راه، وارد ماجرای پیچیده‌تری می‌شویم. برای آسان کردن مطلب، حرف خود را با مثالی شروع می‌کنم. دو ماشین آ و ب را تصور کنید که هر دو در یک لحظه از نقطه‌ای روی جاده‌ای طولانی شروع به حرکت می‌کنند. فرض کنید ماشین ب موتور خارق‌العاده‌ای دارد که می‌تواند آن را با سرعتی بیشتر از «سرعت صوت» به حرکت درآورد! قرار است ماشین آ ماشین ب را تعقیب کند. در ضمن تعقیب، ماشین آ تصمیم می‌گیرد که با بوق به ماشین ب خبر دهد که انتهای جاده بن بست است و بدین وسیله ماشین ب را از خطر تصادف و مرگ برهاند. البته او هرگز موفق نخواهد شد! صدای بوق ماشین او با سرعت صوت حرکت می‌کند و ماشین ب با سرعتی فراتر از صوت. پس این دو ماشین هرگز نخواهند توانست با هم «ارتباط صوتی» برقرار کنند.

این مثال را مطرح کردم تا نکته‌ای گیج‌کننده را درباره‌ی نظریه‌ی مهبانگ توضیح دهم. همان طوری که پیشتر گفتم سوپ داغ آغازین با سرعت سرسام‌آوری از نقطه‌ی کوچکی شروع به رشد و انبساط کرده. هر چه فاصله‌ی دو نقطه در سوپ از یکدیگر بیشتر بوده، سرعت گریز آنها از همدیگر بیشتر بوده است. در واقع سرعت انبساط عالم می‌توانسته در لحظه‌هایی بیشتر از سرعت نور باشد!! (خواننده‌ی آشنا با نسبیت خاص بلافاصله به من اعتراض خواهد کرد که: هیچ سیگنالی نمی‌تواند با سرعتی فراتر از سرعت نور منتشر شود. پس منظور از سرعت انبساط فرانوری چیست؟ پاسخ این که هیچ سیگنال «حاوی اطلاعات» نمی‌تواند سرعتی فراتر از نور داشته باشد. در جریان انبساط عالم «اطلاعی» انتقال پیدا نمی‌کرده است.) پس در لحظه‌هایی سرعت فرار دو نقطه‌ی پ و ت در سوپ آغازین می‌توانسته فراتر از سرعت نور باشد. حال اگر در مثال بالا، سرعت صوت را با سرعت نور عوض کنیم، درخواهیم یافت که نقطه‌های پ و ت هرگز قادر نخواهند بود با هم ارتباط برقرار کنند! فیزیکدانان در اصطلاح می‌گویند که نقطه‌ی پ پشت «افق کیهانی»

لطیفه به خواندنش می‌ارزد

• زکریا اعتضادی

قطار مسافربری از بندر ماری عازم پاریس بود. اطاق‌های هر قسمت از قطار برای شش نفر جاسازی شده بود. در یکی از اتاق‌ها پنج نفر مسافر به موقع رسیدند و سر جای خود نشستند. نفر آخر قدری در آمدنش تاخیر شد. وقتی خود را به قطار رساند که قطار در حال حرکت بود. با عجله‌ی هر چه تمام‌تر توانست چمدان به دست، سوار قطار شود و پس از پیدا کردن جای خود خواست بنشیند که متوجه شد در جای او چمدانی گذاشته‌اند. از مسافر بغل دستی خواست چمدان را بردارد.

مسافر: بر نمی‌دارم

— یعنی چه بر نمی‌دارم؟ من بلیت خریده‌ام و اینجا که چمدان گذاشته شده جای من است. اذیت نکن و چمدان را بردار!

— به من چه که بلیت خریده‌اید، من چمدان را بر نمی‌دارم.

(مقررات قطار هم این بود که هیچ کس حق نداشت چمدان و اثاثیه‌ی کسی را دست بزند)

— عزیزم! می‌بینی من به خاطر این که به قطار برسم با چه عجله‌ای آمده‌ام؟ عرق پیشانی مرا نگاه کن و اذیت نکن.

— اذیت نمی‌کنم ولی چمدان را بر نمی‌دارم.

مسافر که دید درخواستش بی‌نتیجه است به طرف متصدی بلیت قطار رفت و از او کمک خواست. این دفعه مسافر با مسئول بلیت قطار دوفری وارد اتاقک شدند.

متصدی: آقا! چمدان را بر دار! این آقا بلیت دارد. قطار از چند ایستگاه گذشته، درست نیست شما به ناراحتی کسی توجه نکنید و بی‌اعتنا باشید. زود چمدان را بردار!

— به من چه که او ناراحت است! می‌خواست دیر نیاید. من چمدان را بر نمی‌دارم.

متصدی: بی‌جهت وقت ما را نگیر. اگر زیاد پافشاری کنی پلیس قطار را خبر می‌کنیم.

— مرا از پلیس نترسان. همین که گفتم. من چمدان را بر نمی‌دارم.

متصدی که نتوانست مسافر نشسته را قانع کند، به طرف پلیس قطار رفته و پلیس را خبر کرد. این دفعه پلیس قطار، متصدی بلیت و مسافر سه نفری وارد اتاقک شدند.

پلیس: آقا! چمدان را بردار!

مسافر: متأسفم که به شما هم نمی‌توانم جواب مثبت بدهم. من چمدان را بر نمی‌دارم.

پلیس: مگر نمی‌دانی به اخطار پلیس توجه نکردن چه جرمیه‌ی سنگینی دربر

دارد؟

مسافر: هر اقدامی از شما ساخته است عمل کنید. ولی من چمدان را بر نمی‌دارم.

پلیس مانده معطل و چاره‌ی کار را در این دید که چون دو سه ایستگاه دورتر مرکز پلیس است بهتر است صبر کنند تا قطار به مرکز پلیس برسد و در آنجا تکلیف این مسافر لجوج روشن شود. بالاخره قطار به مرکز پلیس رسید. پلیس قطار، با متصدی بلیت و مسافر شاکی سه نفری دوان دوان خود را به دفتر رئیس پلیس رساندند و ماجرا را تعریف کردند. البته در بین راه، حرف‌هایی رد و بدل می‌کردند که مفهوم نمی‌شد. رئیس پلیس در ابتدا فکر کرد که شاید این شخص دیوانه باشد که به اخطار پلیس توجه نمی‌کند و چاره‌ی کار را در آن دید که خودش آن مسافر را ببیند. این دفعه، رئیس پلیس و سه نفر دیگر، چهار نفری وارد اتاقک شدند و مسافر لجوج را به رئیس پلیس نشان دادند.

رئیس پلیس: من فکر می‌کردم شاید شما فرانسوی نباشید که نظم قطار را بر هم زدید عزیزم. ما فرانسویان برای همه‌ی افراد احترام قائلیم و طالب ناراحتی کسی نیستیم. آیا درست است که یک مسافر سر پا بایستد و شما چمدان را از جایش بردارید؟ خواهش می‌کنم بیش از این وقت ماموران را نگیرید و چمدان را بردارید. وگرنه ناچارم بر خلاف میل باطنی خود جرمیه‌ی سنگینی برایتان در نظر بگیرم.

مسافر: من نظم قطار را به هم نزدم و به مقررات قطار هم آشنا هستم. شما مختارید به هر طریقی که قانون به شما اجازه می‌دهد عمل کنید ولی من چمدان را بر نمی‌دارم.

رئیس پلیس مانده معطل که چه اقدامی می‌تواند انجام بدهد که هم نزد ماموران پایین‌تر از خود سرافکننده نشود و هم به اصل ماجرا پایان بخشد. ناگهان به فکرش رسید که از مسافر بپرسد برای چه چمدان را بر نمی‌دارید!

مسافر: برای این که چمدان مال من نیست.

افسر با صدای بلند: چمدان مال کیست؟

مسافر دیگر این اتاقک جواب داد: چمدان مال من است.

افسر: زود چمدان را بردار!

مسافر: «به چشم!» و چمدان را برداشت.

ناگهان صدای خنده‌ی بس بلند حاضران و ناظران فضای اتاقک را پر کرد. مسافران اتاق‌های دیگر از این ماجرا باخبر شدند و مسافر پس از سرگردانی توانست سر جایش بنشیند.



کافه لیت و میسا بزرگداشت احمد شاملو را برگزار کردند

CaféLitt

• گزارش از پاشا جوادی

تازه کنند و هم نوازندگان سازهایشان را کوک. سعید کامجو، شاهین فیاض و جواد شهیدی با نوای زیبای کمانچه، تار و عود بخش دوم شب شعر را با شور موسیقی ایرانی آغاز نمودند. در ابتدای بخش دوم، سعید ضمن اشاره به بی‌علاقگی احمد شاملو به موسیقی سنتی گفت: «نمی‌دانم اگر آقای شاملو امشب اینجا بودند چه واکنشی به نواختن موسیقی سنتی، خصوصاً نسبت به من به عنوان نوازنده‌ی کمانچه، داشتند». پس از موسیقی ایرانی، بخش دوم شعرخوانی را مهدی کشتکار با متنی درباره‌ی «ا. بامداد» مزین به جمله‌های برگزیده از شعرهایش آغاز نمود و سرود «ابراهیم در آتش» را خواند: اما نه خدا و نه شیطان / سرنوشت تو را بتی رقم زد / که دیگران می‌پرستیدند: / بتی که دیگرانش می‌پرستیدند.

حاضران جلسه‌ی شعرخوانی را ادامه دادند. محمد جباری حق، ضمن اشاره به قدرت ترجمه‌ی شاملو، متن ترجمه‌شده‌ای از کتاب «دن آرام» را خواند. آیدا خلیلی به خواندن ترجمه‌ی شاملو از شعری از فرر پرداخت که فرخ وهاب‌زاده نسخه‌ی فرانسه‌ی آن را خوانده بود. آرش هاشمی ضمن اشاره به این که شاملو اخیر کمتر شناخته شده، نمونه شعرهایی از آخرین دفترهای او را خواند. و در پایان به درخواست آقای دکتر خرسندی، پزشک آقای شاملو که تا آخرین لحظه‌های حیات وی در کنارش بود، آیدا خلیلی آخرین شعر جلسه را خواند: دهانت را می‌بویند مبادا گفته باشی دوست دارم / دلت را می‌بویند مبادا شعله‌ای در آن نهان باشد / روزگار غریبی است نازنین...

جلسه با نمایش گزیده‌هایی از فیلم آقای «مسلم منصور» کارگردان فیلم «شاملو، شاعر آزادی» و بخش‌هایی از سخنرانی ا. بامداد در سوئد و نوانمایی با صدای فرهاد به پایان رسید که آقای حسین آریان انتخاب و تدوین کرده بود. دالان تنگی را در نوشته‌ام به وداع فرایشت می‌نگرم: فرصت کوتاه بود و سفر جانکاه بود اما یگانه بود و هیچ کم نداشت. به جان منت پذیرم و حق گزارم! (چنین گوید بامداد خسته)

جلسه‌ی پنج‌شنبه‌ی گذشته‌ی کافه لیت (کافه ادبی)، شب شعر مشترکی بود با «انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه مک‌گیل» (میسا) با عنوان «در آستانه». سالمرگ احمد شاملو، بهانه‌ای بود تا این شاعر، نویسنده، فرهنگ‌نویس، ادیب و مترجم کشورمان را بزرگ بدریم.

شب شعر نزدیک ساعت هفت عصر و با شعر «به شب مهتاب» اثر احمد شاملو فقید با صدای گرم زنده‌یاد فرهاد مهرداد در سالن «تامپسون هاوز» مک‌گیل آغاز شد. سپس امید صارمی از طرف میسا و مهدی کشتکار از سوی کافه لیت ضمن خوشامدگویی به میهمانان به معرفی گروه متبوعشان پرداختند. سپس امید که مسئول اداره‌ی جلسه بود از آیدا خلیلی دعوت کرد تا به طور خلاصه از شاملو و زندگی‌اش بگوید. آیدا ضمن اشاره به اتفاق‌های مهم و تاثیرگذار در زندگی و شعر «ا. بامداد» به فعالیت‌های گوناگون وی در عرصه‌های دیگر اشاره نمود. پس از آیدا خلیلی، آرش هاشمی طی خطابه‌ای ادبی و پراحساس، به بررسی شعر شاملو در دفترهای مختلف او پرداخت و خصوصیت‌های منحصر بفرد در هر دفتر و استحالتهای مفهومی و ساختاری هر دفتر را گوشزد نمود. جلسه‌ی شعرخوانی را فرخ وهاب‌زاده با قطعه‌ای از سرود پنجم از دفتر «آیدا در آینه» آغاز کرد: اکنون رخت به سراچی آسمانی دیگر خواهیم کشید: / آسمان آخرین که ستاره‌ی تنهای آن تویی.

سپس علاقه‌مندان از میان حاضران - که نزدیک هفتاد تن بودند - به ترتیب شعرهای مورد علاقه‌شان از احمد شاملو را بر زمینه‌ای از موسیقی متن کلاسیک می‌خواندند و لذت شعر را با دیگران قسمت می‌کردند.

در این میان، آقای حسین شرنگ به «قرائت متفاوت» برخی از شعرهایش پرداخت که پس از مرگ شاملو سروده بود. یکی از میهمانان پس از تعریف از اندیشه و شعر شاملو، در حالی که در سالن قدم می‌زد شاهکار «در آستانه» را از حفظ خواند. سپس یکی از برگزارکنندگان دانشجویان از حاضران خواهش کرد، که برای جلوگیری از اشتباه، شعرهایشان را از روی متن موجود در سالن بخوانند. پس از یک ساعت شعرخوانی، پانزده دقیقه تنفس اعلام شد تا هم حاضران گلوبی

با یاد احمد شاملو

آواز

خورشید گرم بود،
آسمان بدون ابر ...
در روشنایی کورکننده،
چون آتش گداخته، در شدت، در
ارتباط حسی کامل،
با بازوان باز ایستاد.
در لحظه‌ای که سرنوشت به نخی
بسته است،
در دریای کلمات دستاویزی یافتن،
پاشیدن کلمات در فضا،
با گلوبی خشکیده از عطش آواز
...

رضا متبسم

انعکاس صدایش قلب تنهایی را
شکست.



عکس از مریم لولو



عکس از مریم لولو



تعداد ناپایدار / l'équilibre instable

فرخ وهاب زاده

Photo par Farrokh Vahabzadeh
<http://pixeleria.googlepages.com>



صندوق بین المللی پول: تحریم ها به اقتصاد ایران صدمه زده است

به گزارش سایت بی.بی.سی در روز ۱۵ اگوست ۲۰۰۸، مسئولان صندوق بین المللی پول آی.ام.اف اعلام کردند که افزایش فشارهای بین المللی و تحریم ها علیه ایران به اقتصاد این کشور صدمه زده است. گزارش آی.ام.اف که روز پنجشنبه منتشر شد مدعی شده است که تحریم های بین المللی تامین مالی مبادلات تجاری و پرداخت های خارجی را مشکل کرده و باعث انصراف شرکت ها از سرمایه گذاری در ایران شده است. صندوق بین المللی پول گفته است که بانک های دولتی ایران در اثر تحریم های اقتصادی آمریکا و سازمان ملل به شدت ضربه خورده اند به نحوی که دولت مجبور به تجدید ساختار مالی آنها شده است.

آمریکا و لهستان در زمینه دفاع موشکی به توافق رسیدند

به گزارش بی.بی.سی. نیوز، لهستان معامله ای مقدماتی را امضا کرده است که براساس آن میزبان بخشی از سپر دفاع موشکی آمریکا خواهد بود. براساس این طرح ها، آمریکا اجازه می یابد ده پایگاه دفاع موشکی را در لهستان مستقر کند و در ازای آن قول می دهد دفاع هوایی لهستان را تقویت کند. وظیفه این سیستم، دفع موشک هایی است که به آسمان لهستان نزدیک می شوند. آمریکا می گوید این سیستم در برابر تهدید موشکی «کشورهای یاغی»، از ایالات متحده و اروپا محافظت خواهد کرد.

ایران برنده جنگ روسیه - گرجستان؟

شبکه خبری بلومبرگ اعلام کرد که در حالیکه آمریکا مشغول تمرکز برای سخت تر کردن تحریم ها علیه ایران بود و قصد همسو ساختن روسیه را نیز با خود داشت، قضیه گرجستان پیش آمد و بین مسکو و واشنگتن اختلاف شدید انداخت.

این شبکه در ادامه گزارش خود افزوده است: آمریکا با جانبداری خود از گرجستان، سوی دیگر بازی را باخت و دیگر نمی تواند در شورای امنیت روی روسیه

حساب ویژه باز کند چون افق سیاسی استراتژیک مسکو و واشنگتن کاملاً از یکدیگر مجزا شده است.

مربی سابق ژیمناستیک آمریکا گفت: چینی ها فکر می کنند ما احمق هستیم

به گزارش آسوشیتدپرس، بلا کارولی که رومانیایی تبار است گفته است: چینی ها با استفاده از دختران ۱۲ تا ۱۴ ساله وارد میدان شدند. اما ژیمناستیک کار تخصصی ماست و دختران ۱۲ ساله را از ۱۶ ساله به راحتی می توانیم تشخیص دهیم. خیلی از این مدارک جعلی است و در کشورهای شرق، جعل مدرک کاری آسان است.

او در مصاحبه با خبرگزاری «آسوشیتدپرس» گفت: انتقاد من از تیم ملی ژیمناستیک چین به این دلیل نیست که آنها در رقابت با تیم ملی آمریکا پیروز شدند بلکه به این واسطه است که ما را یک مشت احمق فرض کرده اند. هنوز فدراسیون جهانی ژیمناستیک در این باره اظهار نظری نکرده است.

آمریکا به روسیه نسبت هشدار داد

به گزارش بی.بی.سی، پنجشنبه گذشته، ۱۴ اگوست ۲۰۰۸ وزیر دفاع آمریکا هشدار داده است که اگر مسکو از اقدامات «پرخاشگرانه» در گرجستان دست برندارد، صدمه ای که به روابط با روسیه وارد خواهد شد می تواند تا سال ها جبران ناپذیر باشد. رابرت گیتس همچنین گفته است که او لزومی برای حضور نیروهای نظامی آمریکا در گرجستان نمی بیند. روسیه تاکید کرده است که موضوع تمامیت ارضی گرجستان مطرح نیست. سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، گفته که آبخاز و اوستیای جنوبی به هیچ وجه نمی خواهند که بار دیگر بخشی از گرجستان شوند.

آمریکا و لیبی بر سر پرداخت غرامت ها توافق کردند

بر اساس گزارش بی.بی.سی میان آمریکا و لیبی توافقنامه ای امضا شد که در مذاکرات طولانی مدت به نتیجه رسید. آمریکا و لیبی پس از سال ها تخاصم با امضای توافقنامه ای متعهد شده اند

غرامت قربانیان انفجارهایی که دو کشور در آن دست داشته اند را به طور کامل پرداخت کنند.

گزارش بی.بی.سی می افزاید: در این توافقنامه قید شده است که لیبی غرامت قربانیان پروازی که در سال ۱۹۸۸ بر فراز لاکربی اسکاتلند منفجر شد و همچنین قربانیان آمریکایی بمب گذاری دیسکویی در آلمان را به طور کامل پرداخت کند.

در مقابل، آمریکا موافقت کرده است غرامت قربانیان حملات هوایی به طرابلس، پایتخت لیبی و شهر بن غازی در سال ۱۹۸۶ را پرداخت کند.

لبنان و سوریه مرزهای خود را قطعی می کنند

به گزارش سایت بی.بی.سی نیوز، در اولین دیدار یک رئیس جمهور لبنان از سوریه از زمان ترور رفیق حریری این دو کشور موافقت کرده اند مذاکرات برای تعیین مرز مشترک قطعی میان دو کشور را از سر بگیرند.

این توافق، که در پی سفر میشل سلیمان، رئیس جمهور لبنان، به سوریه صورت گرفته، بخشی از تلاش دو طرف برای بهبود روابطشان تلقی می شود؛ روابط لبنان و سوریه در سال های اخیر چندان دوستانه نبوده است.

اما سوریه می گوید که مرزبندی قطعی مزارع شبع را پوشش نخواهد داد تا اسرائیل از این منطقه خارج شود.

لازم به یادآوری است که اسرائیل در جنگ شش روزه سال ۱۹۶۷ مزارع شبع را به عنوان اینکه بخشی از خاک سوریه است، به اشغال خود در آورد و به همین علت، عقب نشینی یکجانبه ارتش اسرائیل از منطقه اشغالی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰، شامل این مزارع نشد

هفته را روی وب سایت چکاوک

بخوانید

www.chacavac.com



سورنا هاشمی بازداشت شد



به گزارش ادوار نیوز، در پی هجوم روز «دوشنبه ۱۱ آگوست ۲۰۰۸» نیروهای امنیتی به منزل سورنا هاشمی، دانشجوی دانشگاه زنجان، روز سه شنبه وی خود را به دادگاه انقلاب زنجان معرفی کرد. دادگاه زنجان قرار نجات به دادرسی تهران را نپذیرفت. براساس اخبار رسیده، اتهام وارده به وی، برانگیختن و تشویش اذهان عمومی علیه امنیت ملی بوده است. به غیر از مدعی العموم، دکتر مددی (معاون خاطی دانشگاه زنجان) و خانم تبریزی (همسر دکتر مددی) و دختر قربانی حادثه از دانشجویان دانشگاه زنجان شکایت کرده اند، اما هنوز هیچ اطلاعی از دلیل شکایت آنها در دست نیست.

از وضعیت بهرام واحدی، دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه زنجان و پیام شکیبیا، عضو سابق انجمن اسلامی دانشگاه زنجان، حسن جنیدی و آرش رائیجی اطلاعی در دست نیست و دادستان زنجان همچنان حاضر به هیچ نوع اظهار نظری در این رابطه نیست. محمد علی دادخواه، وکیل دانشجویان دانشگاه زنجان است.

شیرهای سر در مجلس شبانه پایین آورده شدند

به گزارش سایت مجاز عصرایران، دو شیر که در سالگرد مشروطیت بر سر در مجلس قرار گرفته بودند دوشنبه شب پایین کشیده شدند.

دیگر از این دانشگاه ندارد. در ادامه تاکید شده است: پروفسور آدموند رولز، پروفسور پیتر برایانت و پروفسور آلن کاوی همگی در مقطعی، مناصبی در دانشگاه آکسفورد داشته‌اند، اما هیچ کدام متخصص در زمینه حقوق نیستند و هیچکدام نمی‌توانسته‌اند مدارک دانشگاهی امضا کنند. لازم به یادآوری است که نام این افراد در زیر مدرک وزیر کشور جدید دولت احمدی نژاد دیده می‌شود. مخالفت با علی کردان وزیر کشور احمدی نژاد در مجلس ادامه دارد و گروهی از نمایندگان سرشناس اصول گرا خواهان استعفای او شده اند.

یک فعال کرد حکم اعدام گرفت

به گزارش بی.بی.سی مقامات قضایی ایران در ماههای اخیر تعدادی از فعالان کرد را بازداشت کرده و اخیراً نیز برای پنج بازداشتی کرد حکم اعدام صادر کرده اند بر اساس گزارشها حبیب الله لطیفی ۲۶ ساله، دانشجوی حقوق دانشگاه ایلام است که حدود هشت ماه پیش بازداشت شد. این دانشجو به اعدام محکوم شد. با صدور حکم اعدام برای حبیب الله لطیفی، تعداد محکومین عقیدتی کردستان که به اعدام محکوم شده اند، به ۸ نفر رسید.

سه دانشجوی پلی تکنیک آزاد شدند

احمد قصابان، مجید توکلی و احسان منصوری، سه عضو انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر، چهارشنبه شب، ۲۳ مرداد، ساعت ۸ شب پس از ۱۵ ماه از زندان اوین آزاد شدند. آنها در دوران زندان بارها اعلام کردند که به شدت شکنجه شده اند.

شیرین عبادی رو به نمایندگان مجلس: مردم رای شما را به لایحه خانواده فراموش نخواهند کرد

به گزارش کانون زنان ایرانی، شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل برای بار چندم صریحاً مخالفت خود را با لایحه حمایت از خانواده اعلام کرده است. این لایحه چند وقتی است در نوبت رسیدگی و تصویب کلیاتش در مجلس هشتم شورای اسلامی به سر می‌برد. ناظران می‌گویند حداقل حقوق زنان نیز پس از تصویب این لایحه از دست خواهد رفت.

سخنگوی هیات رییس مجلس شورای اسلامی در این باره گفته است که گویا آقای ناطق نوری که کارپرداز خدمات است و این گونه امور به برایشان برمی‌گردد ابتدا تصمیم گرفته است این شیرها بر سر در مجلس قرار بگیرد و بعد هم خود او تصمیم به برداشتن آنها گرفته است.

این شیرها که همراه با خورشید نشان ملی و باستانی ایران است در جریان انقلاب از سر در مجلس پایین کشیده شدند. در چهار روز اخیر نیز که به سر جایشان برگشته بودند، اثری از خورشیدی که بر پشت شان قرار داشت، نبود.

در مجلس هفتم، حداد عادل برای نخستین بار از بازگرداندن شیر و خورشیدها به سر در مجلس سخن گفت ولی این اتفاق هرگز رخ نداد تا این که در مجلس هشتم شیرهای بدون خورشید بازگشتند اما ۴ روز بیشتر تحمل نشدند.

تشکیل کانونهای پاسداران جوان در سراسر کشور

به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از روابط عمومی دفتر فرماندهی کل سپاه، سردار سرلشکر محمد علی جعفری فرمانده کل سپاه پاسداران که به مناسبت روز ولادت حضرت علی اکبر (ع) و روز جوان در اجتماع جوانان پاسدار سخن می‌گفت، گفت: در راستای اجرای طرح تحول و تعالی در سپاه پاسداران، کانونهای پاسداران جوان در همه رده‌ها تشکیل می‌شوند و فرماندهان و مدیران نیز باید از این کانونها حمایت کنند.

دانشگاه آکسفورد: دکترای وزیر کشور جعلی است

افشاگری سابت اصولگرای الف سبب فیلتر شدن آن شد

سایت «الف» منسوب به اصولگرایان پس از افشاگری در باره جعلی بودن مدارک تحصیلی و تیتراژ دکترای وزیر کشور جدید، فیلتر شد. در بیانیه رسمی دانشگاه آکسفورد آمده است:

دانشگاه آکسفورد هیچ سابقه‌ای از آقای علی کردان برای دریافت مدرک دکتری افتخاری یا هیچ مدرک

نیاز مندیها

پیش شماره های نوشته نشده ۵۱۴ هستند.

فروشگاه ها	
۴۲۰-۵۵۵۱	اخوان
۳۸۲-۸۶۰۶	ادونیس
۴۵۰-۹۲۳-۳۸۶۸	افغانی
۹۲۳-۸۵۶۸	الشلال
۴۸۹-۳۲۲۶	راکی مونتانا
۴۵۰-۶۷۶-۹۵۵۰	کوه نور
۳۶۹-۳۴۷۴	سن لوران
۴۸۶-۴۱۱۳	یک دلاری
۴۲۱-۳۴۷۸	مارشه سیروس
۸۶۱-۳۴۷۴	مواد دریایی کاسپین
۹۳۲-۲۰۹۹	نور
۴۵۰-۹۰۴-۴۹۰۰	وطن
۸۴۵-۰۱۸۶	ویاند سن لورن
۳۶۵-۲۲۲۱	هانوپاک
کامپیوتر	
۹۱۸-۴۷۳۶	انترکام
۴۸۵-۱۰۰۰	انکس مدیا
۲۹۴-۸۲۴۲	آموزش کامپیوتر
۶۲۶-۷۵۰۶	برنامه نویسی - وب
۹۷۵-۲۱۱۱	بیمان سلیمی -
۲۹۰-۲۲۱۲	طراحی وب جی اچ دی، گارت
گل	
۹۸۳-۱۷۲۶	لینک فلاور-وحید
مجالس - جشن ها - سفره عقد	
۸۲۵-۳۱۷۰	لیلی صمیمی
۶۸۳-۸۵۵۶	هدیه
مراکز مذهبی	
۷۲۷-۶۶۶۶	الزهر
۸۴۹-۰۷۵۳	انجمن بهایی
۷۷۷-۶۴۲۱	کلیسای شاهراه مقدس
۳۶۶-۱۵۰۹	مرکز اسلامی ایرانیان
مشاور املاک	
۴۲۱-۷۸۸۸	محمد اجزا چی
۴۲۶-۴۵۴۵	افسانه انصاری
۸۹۸-۱۵۹۰	همایون انصاری
۵۷۶-۴۱۵۵	یاس انصاری
۷۳۱-۷۵۷۵	فرخنده بدافی
۴۹۷-۲۵۶۷	فریبا جانفزا
۸۱۴-۱۸۴۴	میترا چنگیزی
۹۹۸-۹۱۴۷	نعیمه چنگیزی
۴۲۶-۹۵۹۵	زاله حافظی
۹۶۹-۲۴۹۲	نادر خاکسار
۷۹۲-۴۵۷۷	مینا صالحی
۳۶۴-۳۳۱۵	سپهر صفائی
۴۵۸-۱۲۰۶	حسین فلسفی
۴۶۶-۶۰۰۰	پرویز قائمی
۴۲۶-۴۵۴۵	ابرج قانعی
۸۸۰-۷۱۷۱	سحر کریمیان

حمل و نقل	
۳۸۴-۵۶۳۲	پارس مارتینیم
۸۴۹-۵۶۶۱	کی بی ترانسپورت
خشک شویی و خیاطی	
۹۳۴-۵۶۰۰	Excel plus
دندان پزشکی	
۹۳۳-۳۳۳۷	مهری حیدری
۹۳۳-۳۳۳۷	شهرزاد رضا نیا
۶۸۴-۰۱۳۵	معصومه دولتشاهی
۶۳۴-۷۲۸۱	راضیه رضوی
۷۳۱-۱۴۴۳	شریف نائینی
۶۸۵-۶۲۲۲	علی شفیعی
۶۹۵-۸۶۴۱	رامین میر موجی
۶۸۵-۶۲۲۲	علی مهیو
دندان سازی	
۷۳۷-۶۳۶۳	افخم هادی
رسانه های گروهی	
۴۸۳-۲۰۷۰	اعتبار
۸۴۸-۱۷۷۱	بازار
۵۷۵-۸۴۵۱	پوشه
۶۲۰-۸۳۳۱	پیوند
۳۸۵-۴۷۲۶	تلویزیون
۷۸۷-۸۸۴۸	رادیو چکاوک
۷۸۷-۸۸۴۸	چکاوک هفته
رستوران - پیتزا - کترینگ	
۹۳۱-۱۹۹۹	الطیب
۸۳۱-۱۴۸۴	بانو
۶۷۰-۸۴۰۰	پارس
۴۵۰-۶۷۸-۹۳۲۲	جویان کباب
۳۴۳-۰۳۴۳	دابل پیتزا
۴۸۳-۶۵۵۵	سرای ۵۹
۴۸۵-۲۹۲۹	شیراز
۶۷۷-۴۷۲۶	کترینگ ظریف
۲۷۰-۸۴۳۷	فاروس
۴۸۳-۶۹۹۰	کارون
۹۳۳-۰۹۳۳	کباب سرا
۴۸۳-۰۰۰۰	کپلی
۴۸۴-۸۰۷۲	کلبه عمو جمال
۸۴۹-۱۳۳۵	گورمه گرک
۸۰۷-۸۷۴۷	گیلان
۳۶۳-۴۴۴۴	گی ملو
۸۴۶-۱۹۴۷	نیلوفر
۳۱۵-۷۹۹۴	Cafe 420
روانشناس - روان کاو	
۲۲۳-۶۵۴۲	حمیرا قاسم نژاد
۸۴۹-۷۳۶۸	مهناز کاظمی
عکاسی و ویدیو	
۴۸۸-۳۳۵۳	فتوکی ان دی جی
۸۴۶-۰۲۲۱	فتو شاپ
۴۸۸-۷۱۲۱	رز
۹۶۲-۷۳۹۲	رضا بلادی
فروش	
۳۸۵-۱۸۱۸	تهران
۲۷۷-۸۰۰۰	قصر فرش

آموزش	
۷۳۹-۳۰۱۰	انستیتو تکنیک
۳۶۸-۹۰۱۲	پروین عباسی -
	فارسی
۹۳۷-۱۷۷۷	کالج ابو علی سینا
۸۶۸-۶۲۶۲	کانادا کالج
۶۲۶-۵۵۲۰	مدرسه وست آیلند
۶۴۸-۱۹۱۲	مدرسه دهخدا
آموزش (رانندگی)	
۹۸۹-۲۱۲۱	امگا
۹۳۷-۲۸۸۸	ناسیونال
۸۰۷-۲۷۸۳	Best
۵۶۸-۳۸۴۸	cool driving
بیمه و سرمایه گذاری	
۸۸۵-۴۳۶۸	هادی اسلامی وطن
۴۸۳-۲۰۷۰	گروه مالی انصاری
	داخلی: ۲۳۵
۲۹۶-۹۰۷۱	علی پاکنژاد
۹۲۴-۸۳۶۸	سمیرا مظفری
۹۲۷-۳۵۰۴	سهراب مهماندوست
۹۳۱-۴۲۴۲	مریم سلیمانی
EXT: ۲۲۹۴	
پزشکی	
۴۸۱-۰۶۷۱	فرهت- عینک سازی
۴۶۶-۱۸۸۰	میرا - کلینیک
پزشکی جایگزین	
۹۳۱-۸۲۷۴	پروین زرسا و -
	همیوبت
۹۷۹-۲۱۲۰	هیپنوتیزم - علی
	سلیمی
تابلو سازی	
۹۳۱-۷۷۷۹	پلکسی
۹۳۱-۹۸۳۴	حمید
ترجمه	
۲۴۶-۸۴۸۶	محمود ایزدی
۶۲۴-۵۶۰۹	شهریار بخشی
۷۳۰-۷۴۶۲	آرزو تحویل داری یکتا
دارو خانه	
۲۸۸-۴۸۶۴	لوئیز داداش زاده
دعوتنامه رسمی	
۶۲۴-۵۶۰۹	شهریار بخشی
حسابداری	
۷۳۵-۰۴۵۲	حسن انصاری
۴۸۶-۵۵۴۷	همایون خاتمی
۴۸۷-۱۵۶۶	شکیب نیا
۸۰۶-۰۰۶۰	عباس شفیعی
۴۹۲-۷۰۰۷	مجتبی میر عابدینی
۳۶۲-۰۳۸۲	ریاض حق

اتومبیل (اجاره و فروش)	
۹۹۳-۷۰۸۵	اتوزرین
۴۸۲-۴۵۰۰	الگانس
۴۸۶-۵۶۷۰	شان اتو
۴۸۲-۴۵۰۰	لیزینگ کمپانی
اتومبیل (تعمیرگاه)	
۴۸۴-۴۴۸۱	اطلس
۳۶۴-۶۴۰۰	آی تی ام
۷۷۷-۶۴۲۱	خرید ماشین اوراقی
۶۳۷-۳۳۳۶	Autoride
۹۳۳-۰۸۸۳	Pieces d'Auto
آرایشگاه - زیبایی - اسپا	
۵۵۱-۰۰۸۸	اکسپرت
۸۲۷-۲۹۰۰	استتیک لی لی
۶۲۶-۸۶۶۶	خانه زیبایی فریده
۵۲۲-۵۲۵۲	زارا
۴۸۱-۶۷۶۵	زهره
۹۳۴-۳۳۷۴	رویا
۳۳۳-۷۳۰۹	سیروس
۴۸۹-۶۹۰۱	شهرزاد
۹۷۵-۳۰۰۲	منیژه استتیک
۸۴۰-۰۹۰۹	مون رویال
۷۷۲-۵۷۸۷	Esthemedica
ارز	
۹۳۷-۵۱۵۲	بیژن احمدی
۸۴۸-۵۹۹۹	ام باام
۲۸۹-۹۰۱۱	پاسیفیک
۸۴۶-۲۱۶۸	پنج ستاره
۹۸۹-۲۲۲۹	خضر
۲۲۳-۶۴۰۸	شریف
۴۸۵-۶۰۰۰	مانی وایز
ازدواج و طلاق	
۳۶۶-۱۵۰۹	شیخ صالح سیبویه
آژانس های مسافرتی	
۲۴۲-۰۴۴۸	امیر - اسکای لان
۲۷۰-۴۷۲۶	افروالمپیک
۹۳۸۷۲۷۷	پارس تورز
۳۹۷-۹۲۲۱	نسرین پارسا
	داخلی: ۲۴۳
۸۴۲-۸۰۰۰	فرناز معتمدی
	داخلی: ۲۹۶
۳۴۴-۸۸۸۸	گام
۴۲۱-۰۲۴۴	Amro Travel
الکتریکی (تعمیرات)	
۴۲۶-۴۵۵۲	الکتروتک
۴۲۸-۰۶۵۰	امید
۵۲۷-۸۸۱۴	سولوسیون پلاس

Remerciements particuliers à ceux qui ont contribué à ce numéro

Special thanks to those who contributed to this issue:

Ms. Hamideh Ghiyasvand, Mrs. Sahar Homami, Ms. Mitra Roshan, Mr. Zakaria Etezadi, Mr. Mohammad Jabbari, Mr. Pasha Javadi, Mr. Jean-Michel Lavoie, Mr. Reza Motebassem, Dr Omid Saremi

Table des matières 12

- La mot de la semaine : Le Festival International du Film de Montréal
- Les nouvelles du Québec et du Canada
- Les nouvelles des Iraniens à Montréal
- La Régie de logement : Les droits et responsabilités du propriétaire et du locataire - Hamideh Ghiasvand
- FESTIVAL INTERNATIONAL DU FILM DE MONTRÉAL : Des films iraniens parmi 400 autres films à Montréal
- Sanaz Sotoudeh, pianiste iranienne : L'harmonie c'est accorder les coeurs - un rapport
- Les obstacles des institutions démocratiques urbaines en Iran- le rapport d'un discours- Mitra Roshan
- «Douce lecture»- La page littéraire- Mohammad Jabbari Haq
- Le voyage au plus profond du temps Au delà de l'horizon cosmique Omid Saremi
- Courriers de nos lecteurs: Une satire digne d'être lue-Zakaria Etezadi
- Cafélitt et Misa : Commémoration d'Ahmad Shamlou – Pasha Javadi
- Un poème pour Shamlou - Reza Motebassem
- La photo de la semaine : Un équilibre vulnérable - Farrokh Vahabzade
- Les nouvelles du monde
- Les nouvelles d'Iran
- Petites annonces

Index 12

- Montreal Film Festival, Word of the week
- Quebec and Canada news
- What's happening in our community?
- La Régie de logement - Tenant and landlord's rights and responsibilities Hamideh Ghiasvand
- Iranian and other 400 films in Montreal
- Montreal World Film Festival
- Awarded Iranian McGill pianist, Sanaz Sotoudeh: ensemble happens when souls unite
- Literary page - «Sweet Reading» - Mohammad Jabbari-Hagh
- A journey to the begin of Time: beyond Cosmic Horizon - Dr. Omid Saremi
- From our readers: A satire worth reading Zakaria Etezadi
- Poetry night by students, Cafélitt and MISA: A tribute to the late poet Ahmad Shamlou - Pasha Javadi
- A Poem for Shamlou - Reza Motebassem
- Picture of the Week: A vulnerable balance – Farrokh Vahabzadeh
- World news
- Iran News
- Classifieds

۸۰۲-۲۳۴۹	سوسن گوئل
۴۲۶-۴۵۴۵	هلن کیورگیس
۸۱۶-۴۰۸۰	نینوس گیورگیزینیا
۴۲۶-۴۵۴۵	رضا نژاد
۶۰۸-۳۲۶۸	داود وثوقیان
۸۲۷-۶۳۶۴	فیروز همتیان

نان و شیرینی	
۴۸۳-۶۵۵۵	سرای ۵۹
۹۸۹-۷۵۱۴	نخودچی

نوسازی و تعمیرات ساختمان	
۸۳۵-۶۲۴۳	تی.ام.ان
۵۷۳-۸۱۱۸	ایرکا- فرهاد زرعی
۹۹۶-۲۷۲۵	انواع سنگ

نظافت منزل و محل کار	
۶۵۵-۷۶۷۲	آر-اند-اف

موسیقی : ساز- سی.دی-ویدئو	
۲۲۳-۳۳۳۶	تیش
۹۰۹-۶۲۶۴	پیانو

مهاجرت - وکیل	
۷۴۴-۰۸۲۵	فیوره بلانژه
۲۸۸-۴۰۵۰	گلشاد درودی
۲۷۸-۳۶۷۹	شاهی
۳۷۷-۰۴۹۰	روشا عشریه
۸۸۶-۳۸۲۶	شوکا عشریه
۳۹۵-۰۵۲۲	علی غلامپور
۶۵۶-۸۱۷۸	ماریا کتنه
۲۷۱-۸۹۷۵	رضا محمود بیگ
۶۵۱-۴۷۲۶	علی مختاری
۳۹۲-۰۰۵۰	رضا ناظم
۹۵۴-۹۹۹۸	ونسان والابی

راديو چكاوك

را هر يكشنبه شب از

ساعت ۹ تا ۱۰ بر روی

موج ای.ام.ردیف

۱۲۸۰ بشنوید

HafteH

Un hebdomadaire pour
la communauté iranienne
de Montréal

A weekly Newsletter for
the Iranian Community in
Montreal

16 août 2008, numéro 12
August 16, 2008 Issue No. 12

جشن بازگشت به مدرسه را هر چه با شکوهتر برگزار کنیم

یکشنبه ۲۴ آگوست

۱۰ صبح تا ۷ شب

در پارک انگریونیون

موسیقی ایرانی با رقص و پایکوبی

کباب، جوجه کباب، گوجه و سالاد فقط ۸ دلار



برای اطلاعات بیشتر با شماره های زیر تماس بگیرید

(۵۱۴)۹۵۲-۲۱۶۵
(۵۱۴)۲۵۸-۸۱۸۶

